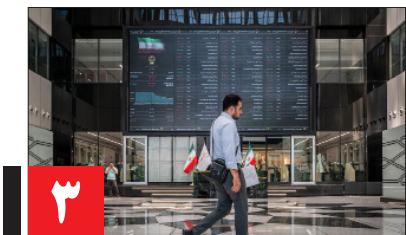




کسب و کارها در مسیر بانکداری بلاک چینی



شاخص در یک قدمی
۳ میلیونی



کشف بزرگ ترین
میدان گازی خشکی



بحرین نقطه باز گشت
ما است



کانال حفظ
شرکای تجاری

به نظر می رسد ممنوعیت ها
در حوزه کشتیرانی، بیمه و
مبادلات مالی بین المللی....

صفحه ۶

تحریم بدتر
از بمب است

وزیر راه و شهرسازی، جنگ ۱۲ روزه و
تحریم ها را «مصادق بارز خسونت علیه
شهروندان» عنوان...

صفحه ۴

سیاست پولی
در پساماشه

باین حال، شواهد تجربی در اقتصاد ایران
نشان می دهد که این رابطه به طور کامل
برقرار نیست و پیش بینی...

صفحه ۲

کسب و کارها در مسیر بانکداری بلاک چینی

کریم حسن پور - آیا کسب و کارها آماده ورود به عصر نوین نظام های پرداخت هستند؟ استیبل کوین ها و بانکداری توکن شده در حال بازطراحی کامل چارچوب های مالی و تراکنش های تجاری هستند.

اصلاح طلبان معتقدند اگر مشکلات هم کنش پذیری حل شود، بانکها در موقعیت مناسبی قرار خواهند گرفت تا از کارآیی هایی که توکن های دیجیتال به همراه می آورند بهره برداری کنند و در عین حال با رقابت استیبل کوین ها مقابله کنند.

برای مثال، مشتریان چندملیتی بانکها می توانند وجوه خود را در سراسر عملیات جهانی شان به صورت ۲۴ ساعته و هفت روز هفته، بدون تأخیر زمانی و بدون نیاز به بانک کارگزار در نقاط دورافتاده منتقل کنند. اما مشتریان بانکها، برخلاف کاربران استیبل کوین ها، تحت قوانین مبارزه با پول شویی، حداقل سرمایه، الزامات گزارش دهی شفاف و پشتوانه بانک مرکزی محافظت می شوند که این موضوع اعتماد سیستماتیک ایجاد می کند. سپرده های بانکی، چه توکن شده و چه سنتی، مشمول دریافت بهره هستند، در حالی که استیبل کوین ها تحت قوانین آمریکا و اروپا اجازه پرداخت بهره ندارند و همین نیز تفاوت مهمی میان این دو جهان مالی ایجاد می کند.

بانکداری توکن شده و آغاز دوران مالی دیجیتال

بانکداری مبتنی بر توکن همچنین می تواند امکان جداسازی وجوه را در سازوکارهای خودکار امانی برای حمایت از فروش دارایی ها فراهم کند، درحالی که قراردادهای هوشمند می توانند برخی محرک های پرداخت را به صورت خودکار اجرا کنند و ریسک خطای انسانی را کاهش دهند. چنین قابلیت هایی به طور واضح تر بخش بانکداری عمده و شرکتی را مدرن خواهد کرد تا بانکداری خرد، هرچند نان معتقد است گزینه امانی می تواند تأمین مالی و خرید مسکن را هم روان تر کند و فرآیندهای پیچیده را ساده تر سازد.

همه اینها هنوز در مراحل بسیار ابتدایی است. اما حتی اگر سیاستگذاران بنیان های نظام مالی کنونی را حفظ کنند، به نظر می رسد استیبل کوین ها و سپرده های بانکی توکن شده دوران تازه ای از مسالی دیجیتال را رقم خواهند زد. تنها امر قطعی این است که زندگی برای عقب ماندگان از فناوری دشوارتر خواهد شد و کسانی که خود را با این تغییرات وفق ندهند، احتمالاً از رقابت جهانی عقب خواهند افتاد.

کسب و کارها در عصر رمزارز

تحول در نظام های پرداخت دیجیتال و ورود گسترده استیبل کوین ها و بانکداری توکن شده، بیش از آنکه صرفاً یک تغییر تکنولوژیک باشد، زمینه ساز تحول در مدل های کسب و کار و استراتژی های تجاری شرکتها است. کسب و کارها اکنون در مسیری قرار گرفته اند که باید خود را با یک اکوسیستم مالی سریع، شفاف و دیجیتال سازگار کنند. دسترسی به سیستم های پرداخت ۲۴ ساعته، امکان تراکنش بدون محدودیت جغرافیایی و کاهش وابستگی به شبکه های بانکی سنتی، برای شرکتها فرصت بزرگی ایجاد می کند تا عملیات مالی خود را بهینه کنند و سرعت نقدینگی را افزایش دهند.

در عین حال، این تحول چالش هایی نیز برای شرکتها به همراه دارد. الزام به انطباق با استانداردهای جدید، مدیریت ریسک های مرتبط با نوسانات رمزارزها و پایش همیشگی امنیت تراکنش ها، بخشی از پیچیدگی هایی است که کسب و کارها با آن مواجه خواهند شد. شرکت هایی که نتوانند زیرساخت های مالی خود را سریع تر با این فناوری ها هماهنگ کنند، مزیت رقابتی قابل توجهی پیدا خواهند کرد، از جمله کاهش هزینه های انتقال پول، افزایش شفافیت در زنجیره تأمین و دسترسی بهتر به منابع مالی بین المللی.

همچنین، بانکداری توکن شده می تواند نقش یک ابزار استراتژیک برای مدیریت سرمایه در گردش و تأمین مالی پروژه های بزرگ را ایفا کند. با استفاده از قراردادهای هوشمند و سپرده های توکن شده، شرکتها قادر خواهند بود فرآیندهای پرداخت و دریافت وجوه خود را به شکل خودکار و مطمئن پیش ببرند، ریسک خطای انسانی را کاهش دهند و برنامه ریزی مالی دقیق تر داشته باشند.

در مجموع، شرکتها و کسب و کارهایی که نتوانند خود را با این موج نوآوری تطبیق دهند، نه تنها در حوزه مالی کارآمدتر خواهند شد، بلکه می توانند مدل های تجاری جدید و انعطاف پذیرتری طراحی کنند و از فرصت های ناشی از این تحول برای گسترش بازار و افزایش بهره وری بهره برداری نمایند. عدم آمادگی در این مسیر ممکن است منجر به عقب ماندگی رقابتی و از دست دادن سهم بازار شود، چرا که اکوسیستم مالی جدید، بازیگران تازه ای را وارد عرصه کسب و کار خواهد کرد.



در حال حاضر
میانگین سن ناوگان
ملکی اتوبوسرانی
در تهران به مراتب
پایین تر (حدود
هشت سال) و
معادل نصف سن
ناوگان بخش
خصوصی است.
این گزاره نشان
می دهد.

مالی تبدیل می شوند.

در همین حال، دولت کنونی آمریکا نیز استیبل کوین ها را پذیرفته و آنها را منبع ارزشمندی برای ایجاد تقاضا برای اوراق خزانه داری آمریکا و همچنین ابزاری برای تحکیم سلطه دلار می داند، زیرا اگر مردم جهان به استیبل کوین های دلاری عادت کنند، عملاً همچنان به دلار وابسته خواهند ماند.

این اختلال در وضعیت موجود، از جهات بسیاری می تواند سالم و مفید باشد؛ خدمات گران انتقال پول با رقبای ارزان قیمت مواجه خواهند شد و رقابت افزایش می یابد؛ شرکت های کارت های اعتباری که مدت ها به دلیل کارمزدهای بالای اعمال شده بر تاجر مورد انتقاد بوده اند، نیز ممکن است به طور مشابه تحت فشار قرار گیرند و ناچار به بازنگری در مدل درآمدی خود شوند.

چالش ها و فرصت های بانک های سنتی در عصر رمزارزها

اما برای اقتصادی جهانی که بر نظام موسوم به ذخیره جزئی بانکی متکی است، یعنی تبدیل سپرده های یک گروه از مشتریان بانک به اعتباری که به دیگران وام داده می شود، استیبل کوین ها می توانند تهدیدی جدی و بازدارنده باشند. چون استیبل کوین ها امکان پرداخت را فراهم می کنند اما اعتباری ایجاد نمی کنند، اگر نتوانند به صورت گسترده سپرده ها را جذب کنند، ممکن است منابع تأمین مالی بانکها و توان آنها برای ارائه اعتبار به اقتصاد را به خطر اندازند و این موضوع می تواند بر سرمایه گذاری، وادهمی و حتی رشد اقتصادی اثر بگذارد.

بانکها می توانند یک مزیت، به ویژه خارج از آمریکا، نگران هستند. برای مثال بانک مرکزی اروپا از احتمال از دست رفتن حاکمیت و کنترل سیاست پولی بیم دارد و مصمم است که هرچه زودتر ارز دیجیتال خود را راه اندازی کند تا نقش خود را در مدیریت پول از دست ندهد. نشانهای فزاینده ای وجود دارد که بانک های تجاری نیز از این تازه وارد ها ترسیده اند.

برای جلوگیری از خروج سپرده ها، که برای آنها حیاتی است، برخی بانکها رویکرد تهاجمی در پیش گرفته اند. آنها با استفاده از بلاک چین به عنوان دفتر کل توزیع شده (همانند استیبل کوین ها)، سپرده های سنتی را به توکن های سپرده تبدیل می کنند تا نشان دهند می توانند هم مدرن باشند و هم مطمئن. مدیرعامل بانک لویدر، چارلی نان، در اجلاس بانکداری فایننشال تایمز گفت اگر این فناوری با هوش مصنوعی همراه شود، می تواند بخش های وسیعی از بانکداری سنتی را از نو تعریف کند و ساختاری کارآمدتر و شفاف تر ایجاد کند.

لویدر تنها نیست. یک پروژه آزمایشی با سایر بانک های بزرگ بریتانیا در جریان است که تحت نظارت بانک انگلستان انجام می شود و این بانک می خواهد از قابلیت هم کنش پذیری اطمینان حاصل کند تا هر سیستم به جزیره ای جداگانه بدل نشود. سارا برین، معاون رئیس، از ضرورت آمادگی برای یک وضعیت چند پولی سخن گفته و بانک انگلستان ماه گذشته مشاوره ای درباره رژیم پیشنهادی تنظیم مقررات برای استیبل کوین ها و بانکداری توکن شده منتشر کرده است.

تا اینجا، انجام کسب و کار با سپرده های توکن شده هنوز بخش بسیار کوچکی از صنعت بانکداری جهانی است. حتی غول آمریکایی جی پی مورگان، که در خط مقدم آزمایش ها قرار دارد، تنها روزانه حدود هشت میلیارد دلار پرداخت توکن شده انجام می دهد، درحالی که حجم پرداخت های متعارف تا ۱۵ تریلیون دلار در روز می رسد. اما

شرکت هایی که خود را با این تحول هماهنگ کنند، از سرعت بالاتر تراکنش ها، کاهش چشم گیر هزینه های انتقال، بهبود شفافیت در زنجیره تأمین و دسترسی به منابع مالی بین المللی بهره مند خواهند شد، درحالی که جاماندگان با محدودیت ها و چالش های جدی در زنجیره ارزش خود مواجه خواهند شد. این تغییرات، اکوسیستمی شفاف، دیجیتال و انعطاف پذیر ایجاد می کند که فرصت های تازه ای برای رشد، نوآوری و توسعه پایدار کسب و کارها فراهم می کند و شرکت های آماده، نقش برجسته ای در اقتصاد دیجیتال آینده ایفا خواهند کرد.

دنیا در آستانه یک تحول بنیادین در نظام های پرداخت قرار دارد؛ استیبل کوین ها و بانکداری توکن شده در حال تغییر قواعد بازی مالی هستند و شرکتها و کسب و کارها نمی توانند از این موج نوآوری غافل بمانند. طی ۵ سال آینده، بیش از ۱۰۰ هزار سیستم پرداخت دیجیتال ممکن است به کار گرفته شود و این یعنی شرکتها باید خود را برای یک اکوسیستم مالی کاملاً جدید آماده کنند؛ جایی که سرعت تراکنش ها افزایش یافته، روش های تأمین مالی تغییر می کند و تعامل با مشتریان و شرکای تجاری به شکل دیجیتال و شفاف تر انجام می شود. کسب و کارهایی که نتوانند خود را با این تحولات وفق دهند، از مزایای رقابتی در پرداخت، سرمایه گذاری و بهره وری برخوردار خواهند شد، درحالی که عقب ماندگان ممکن است با محدودیت ها و چالش های جدی در زنجیره ارزش خود مواجه شوند.

برخی از کارشناسان فناوری معتقدند که طی ۵ سال آینده بیش از ۱۰۰ هزار نظام پرداخت مبتنی بر آن می تواند سراسر جهان را فرا بگیرد؛ موضوعی که اگر محقق شود، شباهتی بسیار اندک به نظام پولی آشنای امروز خواهد داشت و ماهیت تعامل مردم با پول را به طور بنیادین تغییر خواهد داد. تا زمانی که چندان دور، تکلیف پول روشن نبود. یک بانک مرکزی، مانند فدرال رزرو یا بانک انگلستان، اسکناس های دلار و بوند منتشر می کرد و مردم با آن خرید و فروش انجام می دادند و اعتماد عمومی نیز عمدتاً بر پایه اقتدار این نهادهای مرکزی شکل می گرفت. اگر برخی کارشناسان فناوری درست بگویند، یکی از جدیدترین روندها در فناوری پرداخت، یعنی استیبل کوین ها، در آستانه ورود به یک ابر چرخه است که طی ۵ سال آینده جهان را با بیش از ۱۰۰ هزار سیستم پرداخت از این نوع اشباع خواهد کرد؛ یعنی نه فقط چند ارز دیجیتال محدود، بلکه اکوسیستمی گسترده از شبکه های پرداخت که هر کدام قواعد خاص خود را دارند.

هماهنگ سازی این کوین ها، که در اصل نوعی رمزارز وابسته به یک ارز واقعی هستند، نه زیرساختی کاملاً نوین در امور مالی نیاز خواهد داشت و عملاً به معنای ایجاد یک لایه جدید بر فراز نظام مالی فعلی است. جای تعجب نیست که نهادهای حاکمیتی نگران شده اند و تأکید می کنند که این تحول بازسازی بنیادی نظام مالی را در پی دارد.

استیبل کوین های مبتنی بر بلاک چین کارکردهای پیشرو متعددی دارند. در کشورهایی با ارز ناپایدار، استفاده از استیبل کوینی با پشتوانه دلار می تواند برای کاربران جذاب باشد، زیرا نوعی ثبات روانی و اقتصادی ایجاد می کند. در کشورهایی که نظام های پرداختشان کند یا ناکارآمد است، آنها جایگزینی کارآمد ارائه می دهند و می توانند سرعت گردش پول و کارآمدی مبادلات را افزایش دهند. و برای کسانی که می خواهند در حوزه رمزارز معامله کنند، مسیر برای بازگشت به نظام مالی مبتنی بر پول قانونی (فیات) فراهم می کنند و به پلی میان دو جهان



اصلاحات اقتصادی ممکن است؟

دکتر محمد مهدی بهکشیش
اقتصاددان

مکتبسم ماشه قطعنامه شورای امنیت را علیه ایران بازگرداند که با توافق برجام در سال ۱۳۹۴ معلق شده بود. بازگشت تحریم های سازمان ملل باری بر تحریم های آمریکا اضافه کرد؛ درحالی که بسیاری فکر می کنند که چون تحریم های آمریکا اعم از تحریم های اولیه و ثانویه آن برای مدتی علیه ایران فعال بوده، بنابراین تحریم های شورای امنیت تأثیر چندانی نخواهند داشت؛ زیرا بر اساس تحریم های ثانویه آمریکا اگر کشوری تحریم های آمریکا را اجرا نمی کرد، از فعالیت در بازار آمریکا محروم می شد و بنابراین بسیاری از بنگاه ها در دنیا وجود داشتند و دارند که کاری بسا بازار آمریکا ندارند و به راحتی می توانند با وجود تحریم های آمریکا با ایران کار کنند، مثل پالایشگاه های کوچک در چین که نفت ایران را می خریدند و هنوز می خرند؛ زیرا آنان فعالیتی در بازار آمریکا ندارند که مورد جریمه آمریکایی ها قرار گیرند.

تحریم های شورای امنیت این چنین نیست. تمام کشورهای عضو سازمان ملل هستند موظفند که تحریم های مصوب شورای امنیت را اجرا کنند و البته این بحث وجود دارد که اگر اجرا نکنند چه می شود؛ زیرا سازمان ملل قدرت اجرایی جدی برای تنبیه مستقیم ندارد. این برداشت درستی از مقررات سازمان ملل نیست. در داخل سازمان ملل برای کشورهایی که از تحریم های مصوب شورای امنیت متابعت نمی کنند، فضا سخت تر می شود و فعالیتشان در داخل سازمان ملل محدود می شود و ممکن است مجازات هایی تحت فصل ۷ منشور سازمان ملل مشمول حال آنان شود.

بخصوص وقتی که تنبیهی بدلیل سرپیچی از نادیده گرفتن فصل هفتم باشد که متأسفانه ایران هم در ذیل این فصل قرار دارد. درست است که هیچگاه ۴۲ فصل ۷ در مورد ایران اجرایی نشد که نیاز به حمله نظامی را تأیید کند ولی ماده ۴۱ خود تحریم های گسترده ای را توصیه کرده و اجرایی شده و بنابراین کشوری که در ذیل فصل هفتم قرار دارد، برای صلح جهانی خطرناک قلمداد می شود. در شرایط فعلی بسیار دشوار خواهد بود که هر یک از این قطعنامه ها را مجدداً معلق کنیم؛ بنابراین کشور بار سنگینی را در آینده بر دوش خواهد کشید.

مشکلات گسترده تحریم های جدید به علاوه تحریم های آمریکا و اروپا کاملاً در حیطه مسئولان سیاسی است و روابط بین الملل کشور را بیش از گذشته تحت تأثیر قرار خواهد داد و متأسفانه فعالیت های اقتصادی می تواند مورد تهدید بیشتر قرار گیرد؛ بنابراین تجارت و صنعت را با مشکلات جدی مواجه کند. برای رفع این مشکلات در درجه اول باید راه حل را در بستر سیاسی پیگیری کرد. البته برای پیشبرد مذاکرات سیاسی می توان از ابزار اقتصادی استفاده فراوان کرد؛ اما بهبود شرایط کشور در گرو تصمیمات سیاسی است.

حال این سوال مطرح می شود که آیا در این فاصله می توان تحولی در داخل کشور بوجود آورد، جواب مثبت است؛ با محدودیت زیاد می توان در همین شرایط اصلاحاتی محدود ولی مهم را بوجود آورد، مانند یکپارچه کردن بودجه کشور، می توان خزانه های متعددی را که در کشور وجود دارند، تماماً تحت حاکمیت یک بودجه درآورد. این امر به خارج از کشور ربطی ندارد و تحریم ها ممانعی برای آن نخواهند بود و بسیار کمک می کند تا سازمان های مالی مملکت بهبود پیدا کند و تخصیص منابع بهتر انجام شود.

اطلاعات شفاف تری از داشته ها و نداشته های کشور در اختیار قوه مجریه قرار گیرد و تصمیم گیری ها را بهبود بخشد یا می توان سازمان های موازی را در هم ادغام کرد و به دنبال آن در هزینه ها صرفه جویی کرد. شاید بتوان مقداری از کسر بودجه را هم کاهش داد، با وجود اینکه با کمی دهایی که از این پس بوجود خواهد آمد بودجه کشور تحت فشار بیشتری قرار خواهد گرفت و احتمالاً زایش نقدینگی سریع تر خواهد شد. اگر بودجه های متفاوت به یک بودجه تبدیل نشود، ممکن است قدری از سرعت افزایش نقدینگی جلوگیری کند و در نتیجه تورم رشد کمتری خواهد داشت و مردم کمتر تحت فشار قرار خواهند گرفت.

همچنین می توان در این اثنا بازنگری در قوانین مزاحم برای فعال شدن اقتصاد را در دستور کار قرار داد یا سامانه های پرداخت را که مشکلات عدیده برای کارآفرین ها بوجود آورده است، هماهنگ کرد و در این میان استقلال دانشگاه ها را به آنان بازگرداند تا بستر رشد علمی روان شود یا مهم تر از همه قوانین مزاحم کسب و کار را شناسایی و تصحیح کرد و آخرین موضوع تکنرخی کردن ارز که بسیار مهم و تأثیرگذار است و مورد تأیید کارشناسان است، توجه داشته باشیم که تکنرخی کردن ارز مقولهای جدا از استقرار یک نرخ در بازار ارز است. نرخ واحد ارز زمانی می تواند استمرار یابد که عرضه و تقاضای ارز آزاد شود، یعنی ارز به صورت آزاد در بازار عرضه و تقاضا شود. به عبارت دیگر زمانی تک نرخی کردن ارز تحقق می یابد که عرضه کنندگان ارز و تقاضا کنندگان از هر دو آزادانه در بازار فعالیت کنند و بانک مرکزی سیاست های خود را از طریق ابزارهای قانونی در اختیار، چون عملیات بازار باز اعمال کند یعنی قیمت گذاری نکنند و البته دولت در عرضه از نفت نیز به همین ترتیب عمل کند.

در این صورت در بازار نرخ تعیین خواهد شد که بهینه خواهد بود و بهترین تخصیص منابع را خواهد داشت؛ ولی اگر ارز در انحصار دولت باشد و دولت بخواهد قیمت گذاری کند که هم کنون می کند و به بازار ارز اجازه فعالیت ندهد، تکنرخی کردن امکان پذیر نخواهد بود. تکنرخی کردن بدون ایجاد بازار رقابتی ارز پایدار نمی ماند. به علاوه جامعه نمی تواند افزایش نرخ ارز را برای کالاهای اساسی، دارو و لوا تحمل کند. قبل از آنکه درآمدهای خانوارها افزایش یابد. بنابراین قبل از تکنرخی شدن لازم است درهای تجارت و صنعت و خدمات باز شوند تا درآمد افراد افزایش یابد و آن گاه می توان به تدریج ارز را تک نرخی کرد. در غیر این صورت، جامعه با بحران های غیر قابل کنترلی مواجه می شود.

♥ بورس از شوک ماشه عبور کرد

بورس تهران در چهارمین روز معاملاتی هفته با رشد شاخص کل و هموزن همراه بود، این دو شاخص پس از بازگشت تحریم‌ها و از ابتدای هفته تاکنون به طور پیوسته به رشد خود ادامه دادند.
دو دلیل برای رشد بازار سهام بهرنگ شادرو، کارشناس بازار سرمایه به وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: برای رشد بازار سهام می‌توان دو دلیل عمده را متذکر شد. اولین این را می‌توان رشد قیمت دلار دانست. بازار ما به‌صورت سنتی همیشه به دنبال نرخ دلار حرکت کرده و در واقع این رفتار را یاد گرفته‌است. به این معنا که هر زمان دلار بازار آزاد افزایش پیدا می‌کند، پس از مدتی با یک وقفه، دولت معمولاً نرخ دلار سامانه مبادله (که پیش‌تر «نیما» نام داشت) را به سمت بالا تعدیل می‌کند، تا فاصله میان دلار آزاد و مبادله‌ای کاهش یابد. بازار این رفتار را بارها تجربه کرده و به آن اطمینان پیدا کرده‌است.

به نظر می‌رسد در شرایط فعلی هم، محرک یا «دایور» اصلی بازار سرمایه ما نرخ دلار است؛ چراکه این نرخ، چشم‌انداز سودآوری(ریالی) شرکت‌ها را تعیین می‌کند. چون رشد نرخ دلار نهایتاً به افزایش ارزش ریالی درآمد شرکت‌ها منجر می‌شود. به همین دلیل، بازار بر مبنای همین انتظارات رو به بالا حرکت کرده‌است.

اما دلیل دوم و به نظر من مهم‌تر از دلیل اول، این است که بخش عمده‌ای از بازار سرمایه ما در اختیار دولت و نهادهای وابسته است. دو صندوق توسعه در ثبیت در سناختار بازار نقش بسیار پررنگی دارند و در جریان معاملات تاثیر گذارند. درست روز بعد از اعمال «ماشه» بازار مثبت شد. به نظر من، اولویت را باید به این موضوع بدهیم که رشد بازار ناشی از اراده و اقدام دولت(سازندها) حمایت‌کننده) بوده‌ است. به بیان دیگر، این رشد با تصمیم و دخالت مستقیم شکل گرفته‌ تا بازار سرمایه تقویت شود.

در گذشته، بازار معمولاً منتظر می‌ماند تا از افزایش نرخ دلار نیما یا مبادله‌ای اطمینان حاصل شود و بعد از آن خرید انجام دهد. اما این‌بار، خریدها پیش‌دستانه بوده و به‌نوعی محرک اولیه از سوی بازارساز بوده‌ است؛ یعنی دولت خواسته که جریان نقدینگی از بازار دلار و طلا به سمت بازار سرمایه هدایت شود. ما شاهد هستیم که برای صندوق‌های طلا محدودیت‌های وضع شده و دولت با تزریق دلار در بازار آزاد تلاش می‌کند تا نرخ ارز بازار آزاد را کنترل کند. در نتیجه، هدف این است که سرمایه‌ها به‌جای بازارهای موزی، وارد بازار سهام شوند. به نظر من، این عامل دوم مهم‌ترین محرک رشد اخیر بازار است.

با روندی که بازار در پیش گرفته‌و افزایش ارزش معاملات، احتمال دارد که در محدوده دومیلیون ۸۵۰+هزار واحد، بازار وارد یک وقفه یا اصلاح موقت شود. ممکن است در این مسیر شاهد بازوی اصلاحی باشیم که شاخص تا محدوده دومیلیون ۸۰۰+ یا دومیلیون و ۸۵۰+هزار واحد عقب‌نشینی کند. اما روند کلی بازار سرمایه را صعودی می‌بینم و فکر می‌کنم تا رسیدن به سقف اردیبهشت امسال، همچنان پتانسیل رشد وجود دارد.

وی در مورد چشم‌انداز و استراتژی پس از بازگشت تحریم‌ها گفت: بعید به نظر نمی‌رسد که بازار سرمایه تا پایان سال بتواند روند پرشتاب کنسونی را حفظ کند؛ قطعاً در مقطعی توقف یا اصلاح خواهد داشت. اما در سمت دیگر، ما شاهد رشد مستمر اونس جهانی هستیم و متأسفانه باید گفت که چشم‌انداز دلار نیز تا پایان سال صعودی است. بنابراین این می‌توان گفت ترکیبی از بازار سرمایه و بازار طلا می‌تواند استراتژی مناسبی برای باقی‌مانده سال باشد.

به‌ویژه هرچه به انتهای سال نزدیک‌تر شویم، با توجه به تحریم‌های اعمال‌شده احتمال رشد دلار آزاد وجود دارد و از سوی دیگر افزایش قیمت اونس جهانی نیز می‌تواند بازدهی صندوق‌های طلا را حفظ کند. بنابراین این صندوق‌ها همچنان تا پایان سال می‌توانند عملکرد مناسبی داشته باشند. اما تداوم رشد بازار سرمایه بستگی به میزان حمایت واقعی دولت از این بازار دارد. یکی از روش‌های واقعی حمایت، حذف دلار دستوری یا دلار مبادله‌ای از نظام ارزی کشور است. این اقدام می‌تواند تاثیر مثبتی بر سودآوری شرکت‌های بورسی و جذابیت بازار سرمایه داشته باشد.

از دیگر عوامل مهمی که می‌تواند در رونق بازار موثر باشد، موضوع «بورس کالای خودرو» است؛ موضوعی که در سال‌های اخیر شاید بیش از ۱۰ تا ۱۲ بار مطرح شده‌ اما هر بار فقط نوسانات کوتاه‌مدتی در بازار ایجاد کرده و به‌طور جدی پیگیری نشده‌ است. حذف قیمت‌گذاری دستوری در این حوزه می‌تواند اثر بسیار مثبتی بر بازار سرمایه داشته باشد. در مجموع، همین دو عامل می‌توانند تا پایان سال به رونق بازار سرمایه کمک کنند. اما باید تاکید کرد که رشد پایدار بازار تنها زمانی اتفاق می‌افتد که نرخ دلار مبادله‌ای افزایش پیدا کند؛ در غیر این صورت، رشد فعلی می‌تواند کوتاه‌مدت و مقطعی باشد.
پدرام روتنهد، کارشنس بازار سرمایه گفت: بخش قابل‌توجهی از افت‌ها و روند نزولی، پیش از وقوع «تکنیس ماشه» توسط بازار پیش‌شود بوده. به همین دلیل، پس از وقوع این اتفاق، واکنش بازار فراتر از انتظار بوده؛ شاخص کل مثبت شد، حجم معاملات افزایش یافت، روند نقدینگی توسط اشخاص حقیقی صورت گرفت و در مجموع، بازار روندی صعودی در خود گرفت. از سوی دیگر، بازار سرمایه نسبت به سایر بازارها دچار چالانده‌ی شده بود و همین امر، زمینه‌ساز رشد آن شد.

خودروسازی، از جمله موضوعاتی بود که به رشد این صنعت کمک کرد. همچنین روز گذشته به طور خاص، صف‌های خرید ابتدا در نمادهای بزرگ هر صنعت شکل گرفت و سپس به سایر شرکت‌ها سرایت پیدا کرد.

با این حال، برخی از شرکت‌های کوچک‌تر نتوانستند همگام با این رشد حرکت کنند و بازدهی کمتری را به ثبت رساندند.

یکی از نکات برجسته بازار در روزهای اخیر، ورود نقدینگی پرقدرت است که به نظر می‌رسد بخشی از آن از خارج از بازار سرمایه تامین شده‌ است. این نقدینگی که با پول فالان سنتی بازار متفاوت بوده، از منابع مختلفی مانند سرمایه‌های در صندوق‌های درآمد ثابت یا حتی منابع دیگر وارد بازار شده‌ است. این جریان مالی توانسته عرضه‌های سنگین در برخی نمادهای بزرگ را به سرعت جذب کند و مانع از افت بازار شود. از سوی دیگر افزایش قیمت طلا، همراه با تورم انتظاری ناشی از تحریم‌ها و فعال شدن مکانیسم ماشه، موجب شده سرمایه‌گذاران به دنبال تبدیل دارایی‌های ریالی خود به دارایی‌های سرمایه‌ای باشند. این موضوع به‌ویژه با احتمال شکل‌گیری ابرتورم، انگیزه‌ای مضاعف برای ورود پول به بازار سرمایه ایجاد کرده‌ است. در این میان، صنایعی مانند فلزات اساسی، سنگ‌آهنی‌ها و معدنی‌ها به دلیل گزارش‌های مطلوب و امکان تسعیر ارز با نرخ‌های بالاتر در بازار توافقی دوم مورد اقبال بیشتری قرار گرفتند.

شاملو در ادامه افزود: درحالی‌که در هفته‌های گذشته، گروه‌های لاییشی پیشتاز بازار بودند، به نظر می‌رسد نقدینگی در حال چرخش به سمت صنایع معدنی، فلزی و فولادی است. این چرخش تدریجی که به جای چرخه، می‌توان آن را گردش نقدینگی نامید، نشان‌دهنده پویایی بازار است. انتظار می‌رود در روزهای آینده، گروه‌هایی مانند خودرو و بانکی‌ها نیز بتوانند از این جریان نقدینگی بهره‌مند شوند. حجم معاملات نیز به طور چشم‌گیری افزایش یافته و ارزش معاملات روزانه به طور میانگین به بیش از ۱۲ همت رسیده‌ است. این افزایش حجم، همراه با ورود پول به بازارهای موزای مانند طلا، نشان‌دهنده حضور سرمایه‌های کلان با ماهیتی متفاوت از پول فالان سنتی بازار است. از منظر تکنیکال، شاخص کل در محدوده ۲میلیون و ۹۵۰ هزار تا ۳میلیون واحد قرار دارد که یک محدوده مقاومتی کلیدی محسوب می‌شود. این محدوده از نظر استاتیک، داینامیک و همچنین اندیکاتور ایچیموکو، پرعرشه‌ است. عبور از این سطح می‌تواند نشانه‌ای قوی از چرخش قطعی روند بازار باشد و امیدواری‌ها را برای رسیدن به سطوح بالاتر افزایش دهد. حتی در صورت اصلاح یا رنج زدن پس از عبور از این محدوده، انتظار می‌رود بازار همچنان پتانسیل صعود به سطوح بالاتر را داشته باشد.

شاملو پیرامون سیاست‌های پولی بانک مرکزی نیز ادامه داد: در حوزه سیاست‌های پولی، رئیس کل بانک مرکزی همچنان بر سیاست‌های انقباضی تاکید دارد و نرخ بهره تغییر محسوس‌ی نکرده‌ است. این سیاست، تامین مالی را برای شرکت‌ها دشوار کرده و هزینه‌های مالی آنها را افزایش داده‌ است. با این حال، گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر احتمال افزایش نرخ بهره تا ۴۰ درصد وجود دارد که می‌تواند چالش‌های بیشتری برای تولید و بازار سرمایه ایجاد کند. در مقابل، کاهش نرخ بهره می‌تواند محرکی قوی برای رونق بازار سرمایه باشد. بنابر این روزهای آینده برای بازار سرمایه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

حفظ قدرت نقدینگی و عبور از سطوح مقاومتی می‌تواند چشم‌انداز روشنی برای بازار ایجاد کند. در غیر این صورت، احتمال اصلاح یا رنج زدن در این محدوده وجود دارد. با توجه به ورود نقدینگی پرقدرت، گزارش‌های مطلوب شرکت‌ها و انتظار افزایش نرخ تسعیر ارز، می‌توان به بهبود شرایط بازار در میان‌مدت امیدوار بود. بازار سرمایه در حال حاضر تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله تورم انتظاری، رشد نرخ ارز و ورود سرمایه‌های جدید قرار دارد. این عوامل، همراه با پتانسیل‌های موجود در شرکت‌های بزرگ، می‌تواند زمینه‌ساز رشد بیشتر بازار باشد، به شرطی که سیاست‌های کلان اقتصادی و تحولات بین‌المللی به نفع بازار عمل کنند.
ندا عباسی، کارشناس بازار سرمایه در خصوص وضعیت بازار عنوان کرد: سهامداران بازار سرمایه در هفته‌های اخیر تا حد زیادی فعال شدن مکانیسم ماشه را در معاملات بازار پیش‌خور کرده بودند؛ این انتظار، موجب شد بازار پیش از اعلام رسمی، بخشی از افت خود را تجربه کند. تحریم‌های احتمالی شورای امنیت، وزنه‌ای سنگین در ریسک‌های سیستمی اقتصاد است و در صورتی که صادرات کشور را هدف قرار دهد، طبیعی است که شرکت‌های صادرات‌محور در میان‌مدت با فشار بیشتری روبه‌رو شوند. اما از سوی دیگر، افزایش نرخ دلار آزاد، شک و گمان رشد نرخ دلار توافقی را نیز تقویت کرده؛ موضوعی که می‌تواند تا حدی ترازنامه شرکت‌ها را متعادل تر و بخشی از فشار تحریم را جبران کند. در واقع باید عنوان کرد بخش مطلوبی از ریسک‌ها در قیمت سهام منعکس شده و بازار از نظر رفتاری تا حدی به بلوغ رسیده‌ است. نکته مهم‌تر اینکه، بخش قابل‌توجهی از رشد اخیر بازار حاصل ورود نهاده‌ا و سرمایه‌گذاران حقوقی‌ها بوده‌ است. این نشان می‌دهد بازار در حال بازیابی اعتماد خود بوده، هرچند همچنان سایه تحریم و تنش‌های اقتصادی از سر اقتصاد ایران برداشته نشده‌ است.

عباسی ادامه داد: گزارش‌های فصلی اخیر در بسیاری از صنایع، به‌ویژه شرکت‌های ریالی، تصویری نسبتاً مطلوب از عملکرد گذشته ارائه کردند. با این حال توصیه می‌شود سهامداران از صندوق‌های بخشی یا سهامی استفاده کنند که هم‌سو با شاخص کل بازدهی به دست آورند.

در نهایت، به اینکه فشار روانی دلار صد هزار تومانی شکسته شده و نرخ‌های بهره بالا همچنان پابرجاست، انتظار نمی‌رود قیمت ارز به پایین‌تر از این سطح بازگردد. بنابراین، می‌توان گفت بازار سرمایه در نقطه‌ای ایستاده که اگرچه با ریسک‌های ژئوپلیتیک مواجه بوده، اما از منظر ارزندگی و ارزش جایگزینی بسیاری از سهام، جذاب‌تر از ماه‌های گذشته به نظر می‌رسد.

به ارزیابی وضعیت بازار سهام پرداخت و گفت: بازار سهام ایران در ماه‌های اخیر شرایط سختی را پشت سر گذاشته‌ است. وقوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و تبعات سیاسی و اقتصادی آن باعث شد سهامداران زیان سنگینی را متحمل شوند. این ریسک‌ها نهایتاً اقتصاد کشور، بلکه بازار سرمایه را نیز تحت فشار قرار داد و در نتیجه یک روند نزولی سنگین در بورس آغاز شد. وی افزود: هرچند اگر مسائل سیاسی و جنگ وجود نداشت، موضوعاتی همچون سودآوری شرکت‌ها و روند رشد اقتصاد ملی می‌توانستند بر قیمت سهام‌ها اثر بگذارند، اما واقعیت این است که در شرایط فعلی، نقش مسائل اقتصادی در مقایسه با متغیرهای سیاسی بسیار کم‌رنگ‌تر است. به عبارت دیگر، فضای سیاسی کشور با ایجاد ابهام در آینده اقتصاد، موجب برهم خوردن انتظارات مثبت شده و همین عامل اصلی افت شدید قیمت سهام‌ها بوده‌ است. کارشناس بازار سرمایه اضافه کرد: بنابراین اگر بخواهیم انتظار بازگشت روند صعودی در بورس را داشته باشیم، لازمه آن وقوع تحولات مثبت در عرصه سیاسی است. در حال حاضر با افت سنگین قیمت‌ها می‌توان گفت اثرات جنگ و تحولات اخیر تا حد زیادی در بازار تخلیه شده‌ است و اگر رخداد سیاسی منفی جدیدی شکل نگیرد، احتمال افت جدی مجدد چندان بالا نیست. با این حال، برای اینکه شاهد رشد پایدار در بازار سرمایه باشیم، باید با ریسک جنگ به‌طور محسوسی کاهش یابد یا شاهد گشایش‌های مثبت سیاسی باشیم. بر همین اساس، در کوتاهمدت پیش‌بینی می‌شود بازار سرمایه بیشتر رفتاری نوسانی و خشنی را به جای روندی صعودی یا نزولی پرقدرت انتخاب کند.

فرصت بزرگ IPO ها



دیگر شرایط را برای مشارکت سرمایه‌گذاران خرد فراهم کرده‌اند. این تحول را برخی ناظران دموکراتیزه‌شدن بازار IPO توصیف می‌کنند، چرا که افراد عادی نیز می‌توانند سهام شرکت‌های تازه‌وارد را در همان مراحل ابتدایی خریداری کنند.

برای نمونه، در پلتفرم رابین‌هود هر فرد بالای ۱۸ دلار بدون نیاز به حداقل موجودی حساب می‌تواند در عرضه‌های اولیه شرکت کند. درحالی‌که در فیدلیتی تنها مشتریان ممتاز با مانده حساب بالا مجاز به مشارکت هستند. با این حال، ورود آسان به معنای تخصیص قطعی سهام نیست. هر کارگزاری تنها بخشی از سهام عرضه‌شده را از متعهد پذیرنویس دریافت می‌کند و آن را میان مشتریان خود تقسیم می‌کند؛ بنابراین سرمایه‌گذار ممکن است کمتر از مقدار درخواستی خود سهم دریافت کند یا اصلاً سهمی به او تخصیص داده نشود. فرایند مشارکت نیز نیازمند ثبت «اعلام علاقه‌مندی» پیش از عرضه رسمی است؛ اقدامی غیرالزام‌آور که در آن سرمایه‌گذار تعداد سهام مورد نظر خود را اعلام می‌کند. پس از تعیین قیمت نهایی و جزئیات عرضه، سفارش نهایی تایید می‌شود، اما همچنان هیچ تضمینی برای دریافت سهم در نظر گرفته نمی‌شود.

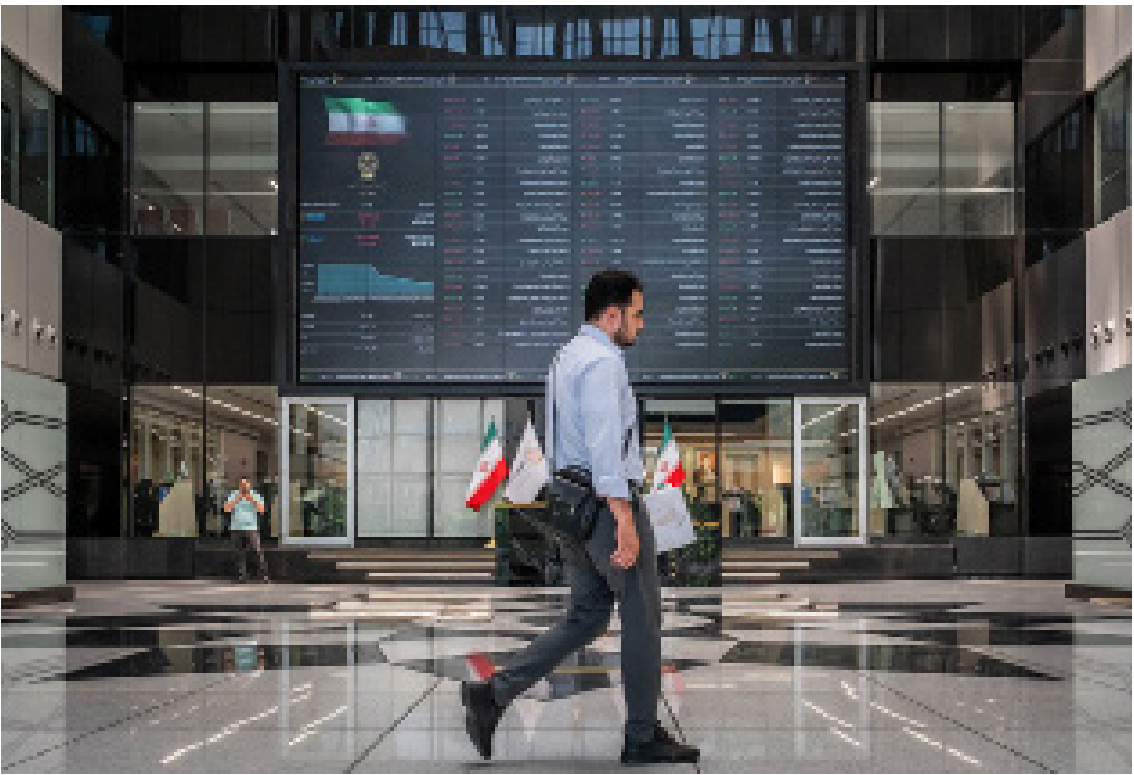
به گفته آنتونی دنیه، مدیرعامل آمریکای Webull، نحوه تخصیص سهم میان مشتریان در کارگزاری‌ها متفاوت است. برخی شرکت‌ها به مشتریان وفاداری که در عرضه‌های پیشین شرکت کرده‌اند اولویت می‌دهند، برخی دیگر اولویت را به کسانی می‌دهند که موجودی بالاتری دارند و برخی نیز ترتیب ثبت‌سفارش را ملاک تقسیم قرار می‌دهند. از این رو، مشارکت در IPO برای هر سرمایه‌گذار تجربه‌ای منحصربه‌فرد است و ممکن است نتیجه آن با انتظار اولیه تفاوت زیادی داشته باشد.

ریسک بزرگ IPOها

در کنار جذابیت‌های احتمالی، کارشناسان مالی هشدار می‌دهند که بازار عرضه اولیه ذاتاً پرنوسان و سفته‌بازانه است. مارسل میو، برنامه‌ریز مالی در شرکت Simplify Wealth Planning، می‌گوید: «بزرگ‌ترین خطرات در IPOها نوسان شدید و ارزش‌گذاری بیش از اندازه است. قیمت‌ها در روزهای اول ممکن است جهش بزرگی داشته باشند اما سقوط‌های سریع نیز بسیار شایع است.»

نمونه اخیر این وضعیت شرکت Figma است. سهام این شرکت طراحی نرم‌افزار در روز نخست عرضه خود در ۳۱ ژوئیه بیش از سه برابر شد، اما طی دو ماه بعد بیش از ۵۰ درصد از ارزش خود را از دست داد. چنین مثال‌هایی یادآور این واقعیت هستند که هیجان اولیه بازار

شاخص در یک قدمی ۳ میلیونی



📈 فرحناز نعمتی - افزایش نرخ بهره همچنان می‌تواند وضعیت اصلاحی در بازار به پا کند و تاثیر انتشار مطلوب گزارش‌ها را در کنار افزایش احتمالی نرخ دلار توافقی کم‌رنگ کند.

بازار سرمایه روز گذشته برای چهارمین روز متوالی سبزپوش شد. فتح کانال ۲میلیون و ۹۰۰ هزار واحدی در شرایطی به وقوع پیوست که بورس از پنجمین روز مه‌رما به ثبت کندل‌های صعودی نسبتاً پرقدرت نوید بازدهی مطلوب برای سرمایه‌گذاران را از خود نشان داد. به طوری که شاخص کل از پنجمین روز مه‌رما تاکنون بیش از ۱۰ درصد بازدهی داشته که نسبت به ماه‌های گذشته کم سابقه بوده‌ است. با این وجود در شرایطی که همچنان سایه سنگین برخی تنش‌های بین‌المللی برسر بازار وجود دارد اما انتشار گزارش‌های مطلوب شرکت‌ها موتور محرک بازار شده و بورس را در مه‌رما سبزپوش کرده‌ است.

با این حال افق افزایش نرخ بهره همچنان می‌تواند وضعیت اصلاحی در بازار به پا کند و تاثیر انتشار مطلوب گزارش‌ها را در کنار افزایش احتمالی نرخ دلار توافقی کم‌رنگ کند. با این وجود به نظر می‌رسد بازار در محدوده‌های فعلی تا ۳میلیون واحد با فشار عرضه‌های ناشی از شناسایی سود توسط برخی معامله‌گران روبه‌رو شود و کمی روند اصلاحی را در پیش بگیرد. با این وجود همچنان می‌توان اظهار کرد تا زمانی که وضعیت تنش‌های بین‌المللی تعیین تکلیف نشده‌ نمی‌توان افق مشخصی بر روند فعلی بازار متصور بود.

بازار از لنز آمار

دامسج اصلی بازار سرمایه روز سه‌شنبه با افزایش ارتفاع ۱.۴۳ درصدی همراه شد و در نهایت در سطح ۲میلیون و ۹۲۲ هزار واحدی ایستاد. رشد ۴۱ هزار و ۴۴۷ واحدی شاخص کل در حالی محقق شد



بورس با وجود ریسک‌ها ارزنده و جذاب است

پس از چند سال سکون، بازار عرضه اولیه سهام در آمریکا بار دیگر داغ شده و دهه‌ها شرکت در صف ورود به بورس قرار گرفته‌اند. همزمان، دسترسی سرمایه‌گذاران خرد به این بازار بیش از هر زمان دیگری آسان شده‌ است؛ اما کارشناسان هشدار می‌دهند که پشت این درهای باز، ریسک‌های بزرگی پنهان است. رشد چشم‌گیر قیمت برخی شرکت‌ها در روزهای نخست عرضه، گرچه وسوسه‌برانگیز است، اما تجربه نشان داده هیجان جایگزین تحلیل می‌شود و زیان در کمین تازه‌واردهاست. روزنامه وال‌استریت ژورنال طی گزارشی ضمن بررسی اثر رونق عرضه اولیه‌ها بر اقتصاد کلان، ریسک‌های پیش‌روی این بازار را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فرصت بزرگ IPOها

بازار عرضه اولیه سهام در ایالات متحده پس از چند سالار رکود دوباره جان گرفته و موج تازهای از ورود شرکت‌ها به بورس، بار دیگر نگاه‌ها را به سمت این بخش از بازار سرمایه معطوف کرده‌ است. درحالی‌که آمارها را رشد قابل‌توجه تعداد و ارزش عرضه‌های اولیه حکایت دارند، سهولت مشارکت سرمایه‌گذاران خرد نیز بیش از هر زمان دیگری در تاریخ بازار سهام آمریکا فراهم شده‌ است. اما کارشناسان این حوزه تاکید می‌کنند که این گشایش تازه، اگر با درک درست از ماهیت پرنوسان عرضه‌های اولیه همراه نباشد، می‌تواند به تجربه‌ای زیان‌بار برای سرمایه‌گذاران تبدیل شود.

بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون بیش از ۱۶۰ شرکت سهام‌دار را در بورس‌های ایالات متحده عرضه کرده‌اند؛ درحالی‌که در مدت مشابه سال‌ا گذشته تنها ۱۰۶ عرضه اولیه انجام شده بود. یک شرکت تحقیقاتی پیش‌بینی کرده‌ است تا پایان سال جاری میلادی تعداد عرضه‌ها به حدود ۱۵۰ مورد برسد و در سال آینده نیز بیش از ۲۵۰ شرکت جدید وارد بورس شوند و در مجموع بیش از ۵۰۰میلیارد دلار سرمایه جذب کنند؛ رقمی که نسبت به سال جاری افزایشی ۵۰درصدی نشان می‌دهد.

بازگشت اعتماد

تحلیلگران روند کنونی عرضه اولیه‌ها را نشانه‌ای از بازگشت اعتماد به بازار سرمایه و افزایش تمایل شرکت‌ها به تامین مالی از طریق بورس می‌دانند. دوران رکود اقتصادی و بی‌ثباتی‌های پس از پاندمی کرونا موجب شده بود بسیاری از شرکت‌ها عرضه اولیه خود را به تعویق بیندازند. اکنون اما با ثبات نسبی اقتصاد و تقاضای فزاینده برای سهام شرکت‌های فناوری‌محور، بازار IPO بار دیگر به جریان افتاده‌ است.

در میان عرضه‌های موفق امسال، نام شرکت‌هایی دیده می‌شود که رشد خیره‌کننده‌ای را تجربه کرده‌اند. شرکت Core Weave، که حوزه ر‌ایانش ابری مبتنی بر هوش مصنوعی فعالیت دارد، در زمان عرضه در ماه مارس تاکنون ۲۴۰درصد رشد قیمتی داشته‌ است. همچنین شرکت Circle Internet Group، ناشر استیبل‌کوین معروف USDC، از زمان ورود خود به بورس در ژوئن ۳۲۸درصد افزایش قیمت را ثبت کرده‌ است. این ارقام باعث شده‌اند توجه گسترده‌ای به بازار عرضه‌های اولیه جلب شود و بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد در پی آن باشند که چگونه می‌توانند در این موج جدید مشارکت کنند.

تسهیل مشارکت

برخلاف سال‌های گذشته که عرضه‌های اولیه تقریباً در انحصار سرمایه‌گذاران نهادی و ثروتمندان بزرگ بود، اکنون پلتفرم‌های آنلاین کارگزاری مانند Robinhood و چند شرکت

ضرورت توجه به کشاورزی ارگانیک

تأمین بموقع و اقتصادی نهاده‌ها که معمولاً بذر، کود و سم هستند و سرمایه مالی و سرمایه انسانی نیز در صدر آنهاست، لازمه تولیدات کشاورزی، دامی و صیلات است. روشن است که بدون آب کافی و خاک مناسب، تولید حرفه‌ای اکثر محصولات کشاورزی ممکن نیست یا اینکه تولیدشان پرهزینه خواهد بود. بدون تأمین بذر و نهال، بدون تأمین کود چه در نظام ارگانیک و چه در نظام‌های تولید رایج، تولید با عملکرد اقتصادی به‌ندرت قابل تصور است و همه اینها بدون احترام و لحاظ سرمایه اجتماعی، حرمت به پیشکسوتان و دانش بومی و تأمین نیازهای سرمایه‌ای آن دشوار خواهد بود. لذا قبل از بیان انتظارات از کشاورزان و حتی کشت و صنعت‌های بزرگ، انتظار می‌رود بانک‌ها و سرمایه‌گذاران کلان که نیروی انسانی تحصیلکرده و امکانات، سسرمایه‌ها و ارتباطات دارند، گام‌های مناسب و متناسب با شرایط طبیعی و شرایط اقتصادی خاص پیشنهاد و اجرایی کنند؛ چراکه شاید اگر در شرایط مطلوب تمرین کشاورزی ارگانیک درگیر بودیم، امروز وابستگی کمتری به نهاده‌های غیرارگانیک داشتیم.

مفهوم و اصول چهارگانه ارگانیک، عبارت از انصاف، سلامت، مراقبت و اکولوژی است. یکی از اصول کشاورزی ارگانیک، اصل انصاف است، یعنی محصولات باید نه گران باشد و نه ارزان؛ بلکه لازم است که قیمت آنها یک رقم منصفانه باشد. در نظام تولید ارگانیک، درس‌های جالبی نه‌تنها برای کشاورز که صنعت بلکه برای قوام سرمایه اجتماعی و حتی حاکمیت و منطقه‌نفته‌است که برای عبور از شرایط خاص اقتصادی و طبیعی (خشکسالی) می‌توان از آن بهره برد. شاید محصول ارگانیک را گران بخردند تا تولیدکننده ارگانیک را تشویق کنند، اما گران‌فروشی آن اصل انصاف را خندشدار کرده و محصول را از ارزش اخلاقی ارگانیک خارج می‌کند. واسطه‌های ضایع در نظام ارگانیک اصولی قابل‌قبول نیست؛ دلیل این امر آن است که اضافه شدن واسطه‌ها به چرخه عرضه و تقاضا سبب گرانی می‌شود و همین اصل انصاف را خندشدار می‌کند. به‌مرحال، هر گاه محصولی به مقدار نیاز بازار تولید یا تأمین نشود، انگیزه برای افزایش قیمت پیدا شده و به عبارتی مکانیسم‌های عرضه و تقاضا می‌تواند سبب گرانی آن بشود. این مطلب الزاماً به معنای گران بودن تولید نیست، کمّا اینکه تولیدکنندگانی که می‌شناسیم، عمدتاً باانصاف‌اند و رعایت‌مشتریان شناخته‌شده خود را می‌کنند. شاید در‌احل اصولی، حتی در این شرایط طبیعی و اقتصادی، تولید ارگانیک بیشتر است، اما ابتدا جامعه یا حداقل افزایش را جامعه به محصولات ارگانیک باید توجه بکنند تا تولیدکننده و واردکننده به فکر تولید یا تأمین بیشتر محصولات ارگانیک بیفتند.

طبق آخرین آمار در سال ۲۰۲۳، ایران در سطحی حدود ۱۵هزار هکتار کشت ارگانیک (حدود یک‌هزارم سطح کشاورزی کشور) داشته است که حدود ۱۵۰۰ تن از تولید آنها صادر شده و الباقی در ایران مصرف شده است. ارزیابی‌های پژوهشی نشان می‌دهد هنوز شور و شوق لازم در بین مصرف‌کنندگان در داخل کشور شکل نگرفته است، لذا محصولات ارگانیک به قصد صادرات و برای جوامع صادراتی تولید می‌شود؛ مانند صادرکنندگان بسته ارگانیک، انار ارگانیک، خرمای ارگانیک، سماق ارگانیک.

معدود تولیدکنندگانی که خود را ملزم به تولید ارگانیک برای جوامع داخلی می‌بینند، به دلایل موجه و ناموجه چندان مورد تشویق قرار نمی‌گیرند. چند شایکلار ایرانی محصول ارگانیک به چند سبک به تولید و عرضه برنج ارگانیک می‌پردازند که در مقایله با پنج‌هزار سال تأسیس فدراسیون جنبش‌های بین‌المللی ارگانیک در کرج‌جنوبی در ۲۰۲۲ مقایسه شده‌اند. به‌علاوه روش‌های تولید ارگانیک، امروزه مجهز به نهاده‌های بیولوژیک هستند و حتی می‌توانند در شرایطی عملکرد را افزایش دهند، چرا که از سموم شیمیایی که درصدی از محصول را کاهشی می‌دهند اما از آن محافظت می‌کنند در این روش تولید ارگانیک استفاده نمی‌شود.

برخی نهاده‌های لازم برای این نظام تولید منظم و درخور تحسین را بهتر است بیشتر بشناسیم؛ عوامل کنترلر بیولوژیک، کودهای معدنی مجاز در ارگانیک مانند کود معدنی گوگردی برای اصلاح خاک و ایجاد محیط مناسب برای فعالیت موجودات زنده در خاک، به‌خصوص کرم خاکی در سبایه کشاورزی حفاظتی که از قطرات آب در خاک حراست می‌کند، زمینه را برای تولید دانش‌بنیان ارگانیک با توجه به شرایط جدید قیمت‌ها فراهم می‌کند.

توجه به تحقیق و توسعه شایسته مبتنی بر روش‌های درست ارگانیک، کنترلر بیولوژیک، کودهای سبز، کودهای بیولوژیک و کاهش مصرف سموم باید در دستور کار باشد و برنامه ابلاضی وزیر وقت کشاورزی در ۱۳ اسفند ۱۳۹۰ کم‌اکان می‌تواند مبنای کار باشد؛ تولید سوپای ارگانیک می‌تواند زمینه ساز تولید مرغ ارگانیک و رسیدن به متوسط جهانی تولید ارگانیک و سهم از بازار صادرات بیش از ۱۳۰میلیاردیورویی جهان ارگانیک و بازار ۲۰۳۰ که قرار است اروپا ۲۵درصد تهیه و تأمین محصولات غذایی را از منابع ارگانیک تأمین کند، باشد. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری بیشتر در تحقیق و توسعه کشاورزی ارگانیک در سطح ملی و منطقه‌ای توسعه انواع محصولات مناسب و گسترش برنامه‌های آموزشی کشاورزان مورد نیاز است. با سرمایه‌گذاری در حد لازم و کافی، روش‌های کشاورزی نوآورانه مانند آگرواکولوژی و بهبود پایداری و انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات آب‌وهوایی باید بیشتر مدنظر قرار گیرد.

تحریم بدتر از بمب است

«بی‌تا حسن پور – دو نماینده سازمان ملل روز گذشته در مراسم سالگرد دروز جهانی اسکان بشر در تهران، با یک پرسش دولت ایران در باره «تعارض بین ماموریت ۲۰۲۴د فتر اسکان بشر و سکوت جهانی در برابر تحریم‌ها» روبه‌رو شدند.

وزیر راه‌وشهرسازی، جنگ ۱۲روزه و تحریم‌ها را «مصادق بارز خشونت علیه شهروندان» عنوان کرد، آن هم در سالی که «هیبتات» آن را «سال تاب‌آور کردن شهرها برای تضمین حق حیات» معرفی کرده است. همچنین تحریم‌ها به مانع تأمین دارو تبدیل شده و درمان بیماران پروانه‌ای را مختل کرده است. با وجود اینکه هدف یازدهم از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل تبدیل شهرها و سکونتگاه‌های انسانی به شهری فراگیر ایمن تاب‌آور و پایدار همسو و شعار امسال دفتر اسکان بشر مبنی بر پاسخ به بحران‌های شهری است، اما این دو نهاد بین‌المللی در مقابل جنگ، تخریب و حمله به زیستگاه شهروندانی ایرانی سیاستی منغل داشته‌ و این در تضاد با شعار امسال است. دفتر اسکان بشر می‌تواند بر اساس اهداف توسعه پایدار سازمان ملل کشورها را از مشکلاتی که تحریم بر کیفیت زندگی سکنان شهرها ایجاد می‌کند، آگاه کند که چگونه تخریب‌هایی که جنگ و تحریم با خود به همراه دارد، زیست شهروندان و حق حیات آنها را تخریب می‌کند. این ماموریتی است که جهان در راستای اسکان بشر برعهده دارد تا خطراتی را که تحریم می‌تواند بر کیفیت زندگی شهروندان ایرانی وارد کند به کشورهای تحریم‌کننده ایران یادآوری کند و از حالت صرف شکر خارج شوند. وزارت راه و شهرسازی به مناسبت روز جهانی اسکان بشر، با حضور نماینده سازمان ملل در نشست روز گذشته ، دفتر اسکان بشر سازمان ملل را به‌دلیل اعمال مجدد تحریم‌ها بر شهروندان به چالش کشید که چگونه تحریم یک خشونت پنهان علیه شهروندان و حق حیات در شهرها خواهد بود.

فرزانه صادق مالواجرد، وزیر راه و شهرسازی در نشست روز جهانی اسکان بشر به هیبتات به‌دلیل انفعال در برابر تحریم ایران اعتراض کرد و جنگ را از بلایای انسان‌ساخت آسیب‌زا بر اسکان بشر معرفی کرد. او با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲روزه به ایران، تأکید کرد، جنگ، مرز نمی‌شناسد؛ اما وجدان بشری باید مرزی یکشد میان انسانیت و بربریت. این حوادث، آشکارا در تضاد با روح منشور ملل متحد، «دستور کار جدید شهری» و اهداف توسعه پایدار است؛ به‌ویژه اهداف ۱۱ و ۱۳ که بر ایجاد شهرهای تاب‌آور و مقابله با تغییرات اقلیمی تأکید دارند. چگونه می‌توان از تاب‌آوری سخن گفت، وقتی سکونتگاه‌ها و زیرساخت‌های شهری خود، آماج حملاند؟ چگونه می‌توان از پایداری گفت، وقتی زنان و کودکان در خانه‌هایشان قربانی می‌شوند؟ اگر شهرها پناهگاه زندگی‌اند، این محلات، جنایت علیه حیات شهری و علیه آینده بشر است.

تحریم‌های غیرقانونی و یک‌جانبه، تنها بر سیاست و اقتصاد فشار نمی‌آورند؛ آنها کیفیت زندگی انسان‌ها را هدف گرفته‌اند. تحریم یعنی محروم کردن یک ملت از دارو، از فناوری‌های نوین دوستدار محیط زیست و از دانش روز. تحریم یعنی افزایش نابرابری در شهرها، یعنی خشونتی پنهان که در سکوت، حق حیات محروم‌ترین طبقات اقتصادی را نشانه می‌گیرد. تحریم‌ها بمب نیستند؛ اما عمیق‌تر از آن می‌سوزانند. آنها شهر را ناگهان نه که به‌طور مستمر و خزنده فرسوده می‌کنند و اینجاست که باید پرسید: آیا جهان متمنن آماده است تا مفهوم «تحریم» را در زمره بحران‌های انسان‌ساخت و ضدانسانی طبقه‌بندی کند؟

او همچنین تأکید کرد، شعار امسال، «بحران‌های شهری و پاسخ‌های ما»، بیش از هر زمان دیگری ضرورت همبستگی جهانی را یادآوری می‌کند. امروز دیگر شهرها صرفاً ترکیبی از ساختمان و خیابان نیستند؛ شهرها، صحنه زندگی انسان، تبلور فرهنگ، دانش، نوآوری و همزیستی‌اند. هر تصمیمی که برای شهر می‌گیریم، در واقع تصمیمی است برای سرروشت انسان. این نوع نگاه منضم اتحاد رویکردی چندبخشی، چند سطحی، یکپارچه و فراگیر در امر توسعه شهری و نیل به تحول شهری است. تغییرات اقلیمی، خشکسالی، سیل، فرونشست زمین، توفان‌های گرد و غبار و آتش‌سوزی‌های گسترده، دیگر رویدهادهای استثنایی نیستند، بلکه بخشی از واقعیت روزمره بسیاری از کشورها شده‌اند، لذا ضرورت دارد در سطح سیاستگذاری تاب‌آوری شهری و آمادگی در برابر بلایا در دستور کار توسعه ملی قرار گیرد.

اشدنی انصاری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور نیز به مناسبت روز جهانی اسکان بشر تأکید کرد، حق بر سکونتگاه مناسب و ایمن در بستر شهرها تنها زمانی تحقق می‌یابد که محیط زیست پرامون آن پایدار، ایمن و سالم باشد. سه‌گانه آب، خاک و هوا چو‌نان مثلی تأثیرگذار بر همه وجوه زیست شهری سایه می‌افکند و تصور شهرها مستقل از سپهر محیط زیستی حاکم بر آن هرگز ممکن نیست.

شهرها به‌عنوان مرکز زندگی انسانی، امروزه بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های چندوجهی روبه‌رو هستند؛ شستابان جمعیت شهری، مصرف فزاینده انرژی، آلودگی هوا، بحران پسماند، کمبود منابع آب، فرسایش خاک، فرونشست زمین و پدیده تغییر اقلیم، تنها بخشی از این تهدیدها هستند. در چنین شرایطی، اگر توسعه شهری بدون رویکرد محیط زیستی ادامه یابد، سکونتگاه‌های انسانی نه مظهر رفاه و آرامش، بلکه منشأ بحران خواهند شد.

استفان پریرزن، هماهنگ‌کننده مقیم سازمان ملل متحد در ایران بر موضوعات مهاجرت‌های داخلی ایران اشاره کرد که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را به همراه می‌آورد. ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر در حال گذر از بحران شدید مسکن است. میلیون‌ها خانواده با موانعی در دسترسی به مسکن مناسب و متناسب با توان مالی خود روبه‌رو هستند؛ اجاره‌ها بیش از یک‌سوم درآمد خانوارها را می‌خورند و به علت فشارهای اقتصادی و جمعیتی سکونتگاه‌های غیر رسمی گسترش می‌یابند. بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۲۰۲۴ جمعیت شهری ایران ۱۱ برابر شد. امروزه بیش از ۷۷درصد از ایرانیان در شهرها زندگی می‌کنند. هر سال حدود یک‌میلیون نفر در داخل ایران نقل مکان می‌کنند، این مهاجرت داخلی یک نیروی جمعیتی و اجتماعی حیاتی است که غالباً منعکس‌کننده و تقویت‌کننده نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی است. برآوردهای ملی نشان می‌دهد که بین ۵ تا ۸میلیون واحد مسکونی برای تأمین تقاضای مسکن، کاهش مسکن نامن و ناکافی و تقویت بافت شهری آسیب‌پذیر مورد نیاز است به‌طور متوسط یک خانواده شهری در ایران برای تهیه یک آپارتمان متوسط لازم است چند دهه پس‌انداز کند.

خانم روسانو، مدیر مرکز آسیا و اقیانوسیه برای توسعه مدیریت اطلاعات بلایا (APDİM)، معتقد است که جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر گام‌های ستودنی به‌منظور گنجاندن تاب‌آوری و کاهش خطر بلایا در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری و منطقه‌ای داشته است. او تأکید کرد: مخاطرات زیست محیطی از قبیل توفان‌های گرد و غبار، پدیده‌هایی منفرد نیستند، بلکه چالش‌هایی شهری هستند که بر سلامت عمومی، مسکن، جابه‌جایی و کیفیت کلی زندگی، تأثیر عمیقی می‌گذارند. بیش از ۸۰درصد جمعیت ایران، ترکمنستان، پاکستان، ازبکستان و تاجیکستان به میزان متوسط تا بالا با آلودگی هوای مرتبط با توفان‌های گرد و غبار، مواجه هستند. مراکز شهری از قبیل اهواز، زابل و زاهدان در ایران، دهلی نو در هند، کراچی و لاهور در پاکستان و بخش‌هایی از غرب آسیا، در زمره مناطقی هستند که بیش از همه از این مساله تأثیر گرفته‌اند.

از نکته‌های قابل‌توجه گفته‌های روسانو، برنامه‌ریزی پروژه مشترک جدید اسکان و سازمان ملل با عنوان «مقابله با بحران سبکت آسیا-اقیانوسیه: شهرهای در حال فرو رفتن» است که این پروژه به رسیدگی به موضوع فرونشست زمین و تأثیر آن بر تاب‌آوری شهری تمرکز دارد. این یک چالش فزاینده است که غالباً به آن بی‌توجهی می‌شود؛ اما بر زندگی میلیون‌ها نفر در این منطقه تأثیر می‌گذارد. در قالب این چارچوب، دو شهر به‌صورت پایلوت شناسایی خواهند شد که یکی از آنها در ایران و دیگری در بنگلادش خواهد بود. این دو شهر، سیاست پایش یکپارچه و تدابیر کاهش را با هدف تقویت ظرفیت‌های محلی به منظور مدیریت منابع آبی شهری و جلوگیری از فرونشست بیشتر زمین، اجرا خواهند کرد.

موج مهاجرت به شمال کشور

سیدمحمد بهشتی، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری، از دیگر سخنرانان این نشست بر مشکلات ناشی از موج مهاجرت از کشورهای درگیر مشکلات آبی و فرونشست به شهرهای شمالی اشاره کرد که ما امروز با موضوع فرونشست و تنش‌های آبی مواجه هستیم که همه مردم با آن درگیر هستند. اما این موضوع ققدر باعث شده تا سیاستگذاران کشوری در این زمینه اقداماتی مهم انجام دهند؟ شاهد موج مهاجرتی از سوی خوزستان هستیم؛ اما این افراد به کجا مهاجرت می‌کنند و آیا مکان جدید آمادگی پذیرش این مهاجرت را دارد؟

تمام شهرهای حاشیه جنوب البرز و شرق زاگرس در معرض فرونشست و کاهش جمعیت هستند. امروز بیز بیشتر از ۶۶هزار نفر جمعیت دارد، اما احتمالاً ظرف ۱۰سال آینده به ۱۰۰هزار نفر می‌رسد؛ زیرا منابع آبی نمی‌تواند به آن جواب دهد. لوله آبی که از کوهرنگ به پرد می‌آید در سال‌های آینده ظرفیت نخواهد داشت. اما باید به این دقت کرد که این مهاجران به کجا می‌روند و پناهگاه جمعیتی جدید کجاست؟ امروز در سیاهکل گیاهان بنگاه‌های معلمات ملکی اصفهانی هستند. خوزستانی‌ها و یزدی‌ها هم در شمال کشور ساکن شده‌اند و این نشان می‌دهد یک موج عظیم مهاجرت در پیش است. اما آیا استان گیلان و مازندران آمادگی پذیرش این جمعیت را دارند؟ این دو استان به شدت از دفع زباله و آب‌های ناسالم رنج می‌برند.

کشور ما نسبت به موضوع اسکان بشر در شرایط اضطرار قرار می‌گیرد. اگرچه باید مصوبات جهانی را درنظر داشت، اما پیش از آن باید تمرکزمان را معطوف به سسرزمین خود کنیم که در چه شرایطی قرار دارد. اینکه قیمت ملک در خوانسار طی مدت ۱۰سال به‌دلیل داشتن آب چندین برابر می‌شود این یعنی زنگ خطر برای سیاستگذاران که آب، منجر به هجوم افراد به این منطقه می‌شود؛ درحالی‌که به آمادگی پذیرش را ندارند و در نتیجه مشکلات جدیدی ایجاد می‌شود. قرار بود به محدوده شهر یزد یک بخش اضافه شود؛ اما طرح این موضوع به سر بردن در غفلت است و هنوز نمی‌دانیم در کشورمان چه اتفاقاتی به لحاظ زیست‌محیطی و آرایش جمعیتی افتاده است. اگرچه در حال حاضر نزدیک به ۸۰درصد جمعیت کشور شهرنشین هستند، اما این شهرنشینی به اضطرار است نه شهرنشینی ناشی از رشد مدنیّت.

اسفندیار زبردست، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، نیز بر موضوع بحران‌های مهاجرتی ناشی از تغییرات آب و هوایی کشور تأکید کرد و گفت: یکی از موضوعاتی که در آینده باید به آن توجه بیشتری کرد، بحث تغییرات اقلیمی است. خوزستان، در آن باید تمرکزمان را معطوف به سسرزمین خود کنیم که در چه شرایطی قرار دارد. اینکه قیمت ملک در خوانسار طی مدت ۱۰سال به‌دلیل داشتن آب چندین برابر می‌شود این یعنی زنگ خطر برای سیاستگذاران که آب، منجر به هجوم افراد به این منطقه می‌شود؛ درحالی‌که به آمادگی در برابر بحران‌های طبیعی همچون زلزله تأکید کرد که تهران و بسیاری از شهرهای تهران را در معرض خطر قرار داده است. بنابراین باید با ایجاد آمادگی، با کمترین تلفات و خسارات اصفهانی‌ها هستند. خوزستانی‌ها و یزدی‌ها هم در شمال کشور ساکن شده‌اند و این اتفاق افتاده این نشان می‌دهد که باید با پدیده‌های طبیعی زندگی کنیم و برای آنها تصمیم‌گیری کنیم و‌گرنه با تبعات آن مواجه خواهیم شد. بنابراین، داشتن برنامه و سناریوهای حادثه، ما را ایمن می‌کند و رعایت آنها ایمن‌تر. باید به برنامه‌های تدوین‌شده پایبندبشیم و با رعایت آنها به ایمنی و آسایش نزدیک شویم.

در این سال از مجموع استان‌های کشور، تنها دو استان اندکی بارش مثبت را تجربه کردند و سیاستگذاران مدام هشدارهایی مبنی بر لزوم صرفه‌جویی در مصرف آب می‌دادند. در این بین، راهکارهای گوناگونی به‌منظور بهبود تنش آبی پیشنهاد می‌شد. برخی از این راهکارها عبارت از شیرین کردن آب دریا، انتقال آب، تغییر الگوی کشت برخی محصولات و همچنین اصلاح قیمت آب بود که موافقان و مخالفانی داشت. برای مثال طرح انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به منظور تأمین آب شرب و صنعتی دو استان ساحلی و شش استان غیرساحلی مرکزی ایران یکی از این راهکارهاست. انتقال آب از دریای عمان به استان‌های شمال شرق درحال حاضر ۱۹درصد پیشرفت فیزیکی داشته و طرح انتقال آب خلیج فارس به هرمزگان، یزد و کرمان، نیز رانندازی شده است. در این طرح، سامانه شرق برای انتقال آب به سه استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی تعریف شده و همچنین سه سامانه فراهی یک تا سه خلیج فارس آب دریا را به هرمزگان، کرمان، یزد و در صورت نیاز اصفهان منتقل می‌کند. «اشگاه اقتصاددانان» روزنامه «دنیای اقتصاد» در این پرونده تلاش دارد هم‌زمان با آغاز سال آبی جدید، به بررسی دو مساله بحث‌برانگیز، یعنی «انتقال آب» و «کشاورزی در سال آبی ۱۴۰۴»، بپردازد.	
---	--

«پلاسما»بازیگر جدید دنیای رمزارزها

راه‌اندازی پلاسما با تغییرات قانونی اخیر در ایالات متحده همزمان شده است. آمریکا در ماه‌های گذشته سه قانون جدید در زمینه استیبل کوین‌ها تصویب کرده است که هدف آن افزایش شفافیت، کاهش ریسک پلاسماهای مالی و تسهیل پذیرش عمومی این ارزهاست. این تحولات نشان می‌دهند که نظام پرداخت جهانی به مرحله جدیدی از تکامل رسیده است؛ مرحله‌ای که پرداخت‌ها نه تنها از پول نقد به کارت‌های بانکی منتقل شده‌اند، بلکه اکنون از کارت‌ها به کیف پول‌های دیجیتال و تراکنش‌های مبتنی بر بلاک‌چین در حال تغییر هستند.

با ایجاد پلاسما، تراکنش‌های تتر می‌توانند سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر و شفاف‌تر انجام شوند. این امر به‌ویژه برای کاربران و شرکت‌هایی که تراکنش‌های بین‌المللی دارند، اهمیت دارد، زیرا هزینه‌های تراکنش‌های بین‌المللی در حال حاضر یکی از چالش‌های اصلی پرداخت‌های دیجیتال است. شبکه پلاسما با کاهش این هزینه‌ها و افزایش سرعت تراکنش‌ها، می‌تواند جایگاه خود را به‌عنوان یک زیرساخت کلیدی در بازار استیبل کوین‌ها تثبیت کند.

علاوه بر این، تحولات قانونی و تصویب قوانین جدید، پذیرش عمومی استیبل کوین‌ها را در میان کاربران عادی و نهادهای مالی تسهیل می‌کند. این روند می‌تواند زمینه‌ساز رشد بیشتر پروژه‌هایی مانند پلاسما شود و اعتماد کاربران را به این نوع پرداخت‌ها افزایش دهد. مزیت دیگر این پروژه، کاهش وابستگی به بلاک‌چین‌های دیگر و تمرکز تراکنش‌ها بر شبکه‌ای امن و اختصاصی است که می‌تواند جریان مالی جهانی را به‌طور موثرتری مدیریت کند.

پیامدهای سیاسی و تأثیر بر بازار جهانی

توسعه پلاسما هم‌زمان با تغییر رویکرد دولت آمریکا نسبت به پول دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) صورت گرفته است. سیاست جدید آمریکا نشان می‌دهد که تمرکز بر حمایت از نهادهای خصوصی صادرکننده استیبل کوین مانند تتر و سیرکل قرار نمی‌گیرد و مسیر پروژه‌های دولتی مانند دلار دیجیتال فدرال‌رزرو متوقف شده است. این تصمیم باعث ایجاد رقابتی شدید میان نهادهای خصوصی برای تصاحب بازار جهانی استیبل کوین‌ها شده است و پروژه پلاسما نقش کلیدی در این رقابت ایفا می‌کند.

تتر در حال حاضر بیشترین حجم تراکنش‌ها را در بازار استیبل کوین‌ها دارد و علاوه بر USDT، استیبل کوین‌های دیگری بر پایه دارایی‌هایی مانند طلا منتشر می‌کند. اما با ایجاد پلاسما، تراکنش‌ها روی یک بلاک‌چین اختصاصی انجام می‌شوند و این امکان را فراهم می‌آورد که کارمزد تراکنش‌ها کاهش یابد و سرعت انجام آنها افزایش پیدا کند. این اقدام می‌تواند نه تنها برای کاربران فردی، بلکه برای شرکت‌های بزرگ و نهادهای مالی که حجم بالایی از تراکنش‌های بین‌المللی دارند، سودمند باشد.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم پلاسما، امنیت و مدیریت ریسک تراکنش‌هاست. تتر قابلیت دارد که به آن اجازه می‌دهد در شرایط خاص، دارایی‌ها را فریز کند. این قابلیت تنها روی تتر اعمال می‌شود و دیگر رمزارزها مانند بیت‌کوین یا اتریوم تحت تأثیر آن قرار نمی‌گیرند. برای کاهش ریسک، کاربران می‌توانند از استیبل کوین‌های غیرمتمرکز مانند DAI با تغییر شبکه انتقال تر استفاده کنند تا امنیت دارایی‌های خود را افزایش دهند. پلاسما می‌تواند به‌طور مستقیم بر اقتصاد دیجیتال تأثیر بگذارد. کاهش هزینه تراکنش‌ها و افزایش سرعت، امکان انجام معاملات کوچک و بزرگ را برای کسب‌وکارها و افراد فراهم می‌کند. این موضوع به رشد تجارت الکترونیک، بهبود نقدینگی و افزایش اعتماد به پرداخت‌های دیجیتال کمک می‌کند و پایه‌ای برای گسترش استفاده از استیبل کوین‌ها در سطح جهانی ایجاد می‌کند.

چشم‌انداز رقابت بلاک‌چین‌ها

پلاسما با وجود تازه تأسیس بودن، حمایت گسترده‌ای از سوی صرافی‌های بزرگ جهانی مانند بایننس و OKX دریافت کرده است. این حمایت‌ها نشان می‌دهد که بازار به آینده این بلاک‌چین امیدوار است و آن را به‌عنوان یک زیرساخت کلیدی در زمینه تراکنش‌های استیبل کوین‌ها می‌بیند. در مقابل، برخی صرافی‌ها مانند کوین‌بیس به دلیل رقابت مستقیم با تتر از حمایت از این پروژه خودداری کرده‌اند، اما این موضوع تأثیری بر روند رشد و پذیرش پلاسما نداشته است.

بازار رمزارزها در حال حاضر تحت تأثیر دو جریان اصلی قرار دارد: یکی پلتفرم‌های معاملاتی غیرمتمرکز بر پریچول و دیگری پروژه‌های مرتبط با استیبل کوین‌ها. پلاسما در میان دو جریان قرار دارد و با توجه به اهمیت تتر و سهم بالای آن در تراکنش‌های جهانی، ظرفیت رشد قابل توجهی دارد.

با توجه به رشد سریع فناوری بلاک‌چین و افزایش پذیرش رمزارزها، پلاسما می‌تواند نقش کلیدی در شکل‌دهی به آینده پرداخت‌های دیجیتال داشته باشد. این شبکه می‌تواند به شرکت‌ها و کاربران امکان دهد تا تراکنش‌ها را با امنیت بالا، هزینه پایین و سرعت زیاد انجام دهند و از وابستگی به شبکه‌های دیگر جلوگیری کنند.

به‌طور کلی، پلاسما را می‌توان نقطه عطفی در مسیر تکامل بازار استیبل کوین‌ها دانست. بلاک‌چینی که با کارمزد پایین، پشتیبانی گسترده و سازگاری با زیرساخت‌های اتریوم ایجاد شده، می‌تواند به یکی از بازیگران اصلی در حوزه پرداخت‌های دیجیتال تبدیل شود. این پروژه می‌تواند مسیر تازه‌ای برای کاربران و شرکت‌ها ایجاد کند و نحوه استفاده از ارزهای دیجیتال را در معاملات روزمره و تراکنش‌های بین‌المللی متحول سازد.

♥ بازی جدید نفتی در خلیج فارس

درحالی‌که کشورهای عربی خلیج فارس با فروش بخشی از زیرساخت‌های نفت و گاز خود به کنسرسیوم‌های بین‌المللی، میلیاردها دلار سرمایه جذب می‌کنند، ایران نیز با در اختیار داشتن گسترده‌ترین شبکه خطوط لوله در خاورمیانه و ظرفیت بالای انتقال نفت و گاز، می‌تواند از مدل‌های مشابه برای تامین مالی پروژه‌های انرژی و توسعه زیرساخت‌ها بهره گیرد.

تجربه موفق کشورهایی مانند امارات و عربستان در واگذاری محدود دارایی‌ها بدون از دست دادن کنترل عملیاتی، می‌تواند برای ایران به‌ویژه در شرایط محدودیت‌های مالی و تحریم‌ها، گوی قابل‌توجهی باشد.

در سال‌های اخیر، شرکت‌های ملی نفت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس رویکرد تازه‌ای را در مدیریت دارایی‌های خود در پیش گرفته‌اند؛ رویکردی که هدف آن تامین نقدینگی میلیاردی از زیرساخت‌های نفت و گاز، بدون واگذاری کنترل عملیاتی است. این الگو که ابتدا در امارات و عربستان آغاز شد، امروز به یکی از استراتژی‌های اصلی تامین سرمایه در منطقه بدل شده است.

امارات: پیشگام جذب سرمایه

شرکت ملی نفت ابوظبی (ADNOC) از پیشگامان روند جذب سرمایه محسوب می‌شود. این شرکت در سال ۲۰۱۹ با ایجاد زیرمجموعه‌ای به نام «ADNOC Oil Pipelines» و اجاره ۱۸ خط لوله به کنسرسیومی متشکل از بلک‌راک (BlackRock) و KKR به مدت ۲۳ سال، توانست ۴میلیارد دلار سرمایه جذب کند. در این معامله، ۴۰ درصد سهام به سرمایه‌گذاران واگذار شد، درحالی‌که ADNOC مالکیت اکثریت و کنترل کامل عملیات را حفظ کرد.

در سال بعد، ADNOC بار دیگر با تأسیس Gas Pipelines و واگذاری ۳۹ درصد سهام به گروهی از شش سرمایه‌گذار بین‌المللی از جمله GIP، بروقفیلد، صندوق ثروت ملی سنگاوری (GIC) و شرکت ایتالیایی Snam، حدود ۱۰میلیارد دلار دیگر جذب کرد. در سال ۲۰۲۴، شرکت سرمایه‌گذاری «Lunate» مستقر در ابوظبی سهام کنسرسیوم‌های بلک‌راک و KKR را خریداری کرد. این شرکت زیر نظر شیخ طحون بن زاید آل‌نهیان، مشاور امنیت ملی امارات، اداره می‌شود و به بازیگر کلیدی تازمای در بازار سرمایه‌گذاری انرژی منطقه تبدیل شده است.

ارامکو و تداوم خصوصی‌سازی

ارامکو عربستان نیز در مسیر مشابهی گام برداشته است. این غول نفتی در سال ۲۰۲۱ شرکت «Aramco Oil Pipelines Co» را ایجاد کرد و ۴۹ درصد سهام آن را به کنسرسیومی به رهبری EIG Global Energy Partners و واگذار نمود. ارزش این معامله ۱۲میلیارد دلار بود و شامل اجاره ۲۵ ساله خطوط لوله می‌شد. در همان سال، ارامکو با تشکیل شرکت «Aramco Gas Pipelines Co» و واگذاری سهم مشابهی به گروهی به رهبری بلک‌راک و شرکت سرمایه‌گذاری «Hassana» حدود ۱۵میلیارد دلار دیگر به دست آورد. در سال جاری (۲۰۲۵)، ارامکو بار دیگر با امضای قراردادی به ارزش ۱۱میلیارد دلار با کنسرسیومی به رهبری Global Infrastructure Partners (که از سال ۲۰۲۴ در مالکیت بلک‌راک قرار دارد) زیرساخت‌های مرتبط با پروژه میدان گازی «جعفر» را واگذار کرد.

این میدان بزرگ‌ترین پروژه گاز غیر همراه در عربستان سعودی است که ارامکو آن را با هدف تأمین گاز داخلی، توسعه صنایع پایین‌دستی و کاهش وابستگی به نفت خام اجرامی کند. ارامکو در تمام این معاملات مالکیت اکثریت و کنترل عملیاتی را حفظ کرده است. به گزارش رویترز، ارامکو اکنون قصد دارد تا پنج نیروگاه گازسوز خود را نیز بفروشد؛ اقدامی که می‌تواند تا ۴میلیارد دلار نقدینگی جدید ایجاد و بخشی از طرح گسترده‌تر این شرکت برای آزادسازی سرمایه و افزایش انعطاف مالی باشد.

عمان: ورود به بورس برای جذب سرمایه
در عمان، شرکت ملی نفت و گاز OQ در سال ۲۰۲۳ با عرضه اولیه سهام واحد خطوط لوله گاز خود (OQ Gas Networks) و فروش ۴۹ درصد سهام در بازار سهام مسقط، حدود ۷۵۰میلیون دلار سرمایه جذب کرد. سرمایه‌گذاران کلیدی این عرضه شامل صندوق سرمایه‌گذاری عمومی عربستان (PIF)، نهاد سرمایه‌گذاری قطر (QIA) و شرکت بلژیکی Fluxys بودند. دولت عمان با حفظ ۵۱ درصد سهام، کنترل عملیاتی این شبکه را در دست دارد.

شرکت Bapco Energies بحرین نیز سال گذشته با فروش بخشی از سهام خط لوله نفتی مشترک با عربستان به صندوق زیرساخت بلک‌راک، نخستین تجربه خود را در واگذاری زیرساخت‌های انرژی رقم زد. اگرچه ارزش این معامله اعلام نشد، اما به گفته منابع نزدیک، این اقدام نقطه آغاز سیاست جدید بحرین برای استفاده از دارایی‌های نفتی جهت تامین منابع مالی است.

در شرایطی که منطقه خلیج فارس شاهد شکل‌گیری موج تازه‌ای از واگذاری دارایی‌های انرژی است، ایران با برخورداری از ظرفیت‌های عظیم خطوط لوله، پتروشیمی و زیرساخت‌های صادراتی، نقیضی، تسریع پروژه‌ها و حفظ کنترل ملی بر منابع انرژی باشد.

یکی از همین رسانه‌ها «میدان گازی پازن یک دهه پیش در سال ۱۳۹۴ کشف شده بود؛ اینکه وزیر نفت به جای حل بحران انرژی، اخبار نادرست از کشف میدان جدید بدهد و تیتیر رسانه‌ها شد، جای تأسف است.»

این در حالی است که سال ۱۳۹۴ تنها یک چاه اکتشافی ۳۸۰۰ متری حفاری شده بود و از آن زمان تاکنون

عملیات حفاری روی این میدان متوقف شده بود.

طبق گفته وزیر نفت «پس از توقف حدود ۸ ساله فعالیت‌های اکتشافی در این میدان، عملیات اکتشاف روی چاه دوم دوباره از سر گرفته شد. به‌طوری‌که حفاری چاه دوم اکتشافی چندی پیش به پایان رسید و بر

اساس آزمایش‌های انجام‌شده روی این چاه، به این دستاورد قابل‌توجه دست یافته‌ایم.»

علاوه بر این حفاری چاه دوم به کشف لایه جدیدی منتج شده و ابعاد و حجم گاز درجای این میدان را وسعت بخشیده است. میزان گاز در جای این میدان با کشف این لایه جدید افزایش و حجم گاز نسبت به کشف اولیه به میزان ۱۰ تریلیون فوت مکعب افزایش یافته است. با توجه بهه ضریب بازیافت ۷۰ درصدی

میدانین گازی کشور، به همین نسبت از این گاز قابل برداشت خواهد بود.

به عبارت دیگر رقم برداشت این میدان ۷ هزارمیلیارد فوت‌مکعب خواهد بود که معادل ۷ هزار روز تولید یک فاز پارس جنوبی است. به این ترتیب این میدان با کشف این لایه جدید افزایش و حجم گاز نسبت به جنوبی گاز دارد و از این رو عدد قابل‌ملاحظه‌ای محسوب می‌شود. همچنین حفاری چاه مذکور منجر به شناسایی یک لایه نفتی شد که حداقل نفت درجای آن حدود ۲۰۰میلیون بشکه نفت برآورد شده است که با اکتشافات بعدی این رقم افزایش خواهد یافت.

وزیر نفت در این زمینه با بیان اینکه نکته قابل‌توجه درباره این میدان آن است که برای نخستین بار، در ادامه عملیات اکتشافی، همکارانم در مدیریت اکتشاف شرکت ملی نفت ایران در عملیات حفاری وارد افقی جدید شده‌اند که دست‌کم ۲۰۰میلیون بشکه نفت خام در خود جای داده است، افزود: بدیهی است با مطالعات تکمیلی که در ادامه عملیات اکتشاف انجام می‌شود، احتمال دستیابی به حجم‌های بالاتری از ذخایر نیز وجود دارد.

جزئیات تازه از کشف ذخایر جدید در میدان پازن

مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران با تشریح ابعاد تازه کشف ذخایر جدید در میدان پازن اعلام کرد: در ادامه مطالعات و عملیات حفاری چاه دوم این میدان، دو لایه مخزنی جدید شامل یک مخزن گازی به اندازه ۱۰ هزارمیلیارد فوت‌مکعب و یک مخزن نفتی با ذخیره قابل استحصال ۲۰۰میلیون بشکه شناسایی شده است. به گزارش شرکت ملی نفت ایران، سید محی‌الدین جعفری با اشاره به روند مطالعات انجام‌شده در حوزه میدان پازن گفت: عملیات حفاری چاه اکتشافی دوم این میدان پارسال آغاز شد و پس از انجام آزمایش‌ها و بررسی‌های دقیق، موفق به شناسایی دو لایه جدید نفتی و گازی شدیم.

وی ادامه داد: حجم گاز کشف‌شده جدید به همراه افزایش حجم اولیه در چاه دوم که در دولت چهاردهم به نتیجه رسید، حدود ۱۰ هزارمیلیارد فوت‌مکعب برآورد می‌شود و انتظار می‌رود با حفاری چاه سوم، این رقم افزایش یابد.

مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران با اشاره به اهمیت کشف ذخایر جدید گازی در میدان پازن گفت: حجم گاز کشف‌شده جدید در این میدان معادل ۷ هزار روز تولید یک فاز استاندارد پارس جنوبی است که می‌تواند نیاز گازی چهار استان کشور را برای مدت بیش از ۱۸ سال تامین کند. جعفری تأکید کرد: میدان پازن هم‌اکنون به عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور شناخته می‌شود و از نظر حجم گاز در مقایسه با سایر میدان‌های خشکی، جایگاه نخست را دارد.

از آنجا که کشور در این سال‌ها از ناترازی شدید انرژی رنج می‌برد، کشف این میدان می‌تواند کمک شایانی در بخش تولید و افزایش عرضه انرژی داشته باشد، هرچند که تولید گاز ایران در حال حاضر به رقم بسیار بزرگ ۸۰۰میلیون مترمکعب در روز رسیده است و جهش‌های تولیدی بالاتر از این رقم با توجه به امکانات حاضر بعید و غیرمنطقی به نظر می‌رسد و با توجه به اینکه همواره تقاضا در حال افزایش است، برای کاهش ناترازی باید فعالیت‌هایی از سمت مصرف و بهینه‌سازی و تنوع سوخت انجام گیرد. باید گفت که دو میدان بزرگ خشکی و آبی گازی کشور (کنگان و پارس جنوبی) به نیمه دوم عمر خود رسیده‌اند و امکان تولید بیشتر از آنها وجود ندارد.

کل مصرف بنزین کشور در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۱۲میلیارد لیتر برآورد شده است که ۱۵ درصد از آن در استان تهران با تراکم جمعیت حدود ۱۴.۵ میلیون نفر اختصاص یافت. این مقدار مصرف نشان‌دهنده روند افزایشی مصرف سوخت در استان تهران در مقایسه با سایر استان‌هاست، همچنین افزون بر افزایش تراکم جمعیت، افزایش سفرهای تابستانی، افزایش تردهای بین‌شهری و افزایش تعداد خودروهای شخصی نیز از عوامل تاثیرگذار بر مصرف بالای بنزین در این استان است.میانگین مصرف روزانه بنزین کشور در تابستان امسال ۱۳۴میلیون لیتر بوده که نسبت به مدت مشابه پارسال (تابستان ۱۴۰۳) با میانگین مصرف روزانه ۱۲۹میلیون لیتر، حدود ۴هشولین لیتر افزایش یافته است، همچنین بیشترین رکورد مصرف بنزین تابستانی در روز ۲۲ شهریور با رقم مصرف ۱۵۴میلیون و ۷۰۰ هزار لیتر ثبت شده است. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی شرکت ملی پخش فراآورده‌های نفتی ایران، میانگین آمار مصرف روزانه ماه‌های تیر، مرداد و شهریور امسال به ترتیب ۱۲۷، ۱۴۱ و ۱۴۹ میلیون لیتر بوده است که این روند صعودی افزایش میانگین مصرف روزانه، بیانگر افزایش مستمر تقاضا در دوره آوج سفرهای تابستانی است. این رشد نته‌ها ناشی از افزایش جابه‌جایی‌های بین‌شهری و استفاده گسترده از خودروهای شخصی بوده، بلکه اثر مستقیم تعطیلات رسمی و ترافیک درون‌شهری را نیز منعکس می‌کند.

تاکتیک وارونه برای صرفه‌جویی سوخت

پروژه‌های آزادراهی در ایران اینگونه مطرح می‌شود که آنها منجر به کاهش مصرف سوخت خواهند شد، اینگونه توضیح می‌دهد که این یک نگرش اشتباه است؛ ضمن اینکه اشتباه دیگر، عدم محاسبه «تقاضای القایی» در مطالعات و برآوردهای ابتدایی است. به گفته تقی‌زاده، تقاضای القایی یعنی زمانی که یک معبر خودرویی توسعه می‌یابد، انگیزه مردم برای استفاده از خودرو افزایش می‌یابد. این بدون آن فاکتور و با فرض ثابت بودن حجم تقاضای سفر، محاسباتی انجام می‌گیرد، خروجی این خواهد بود که به دلیل کاهش مسافت طی شده، در مصرف سوخت صرفه‌جویی می‌شود. به عقیده او این توجیه در صورتی درست است که تقاضای القایی را در نظر نگیرند. اما اگر این نکته در نظر گرفته شود که با ساخت آزادراه، عدماً به جای استفاده از حمل‌ونقل عمومی یا مدهای ریلی و هوایی، تمایل پیدا می‌کنند که با خودروی شخصی استفاده از سفر خودرویی به هم می‌خورد.

تقی‌زاده می‌گوید: اشتباه محاسباتی دیگر این است که با فرض افزایشی در نظر گرفتن تقاضا، این افزایش به صورت درواری در نظر گرفته می‌شود، درحالی‌که افزایش تقاضای القایی رخ می‌دهد که مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در واقع هرچه معابر بهتری ساخته شود، انگیزه مردم برای استفاده از خودروی شخصی به جای حمل‌ونقل عمومی افزایش پیدا می‌کند. به گفته او، اینکه این تقاضای القایی در حد یک، ۱۰ یا هزاران نفر خواهد بود، به ۲۲ عامل مختلف بستگی دارد که ما در همه آنها عملکرد منفی داریم. از وضعیت سوخت گرفته تا وضعیت ناسامان حمل‌ونقل عمومی و کمبود ناگان. بنابراین با کوچک‌ترین توسعه در معابر جاده‌ای، مردم به استفاده از خودروی شخصی سفر کنند، معادلات به هم می‌خورد.

او در توضیح اینکه اگر حمل‌ونقل سبز توسعه پیدا نکند و مصرف سوخت‌های فسیلی کاهش یابد، آیا در آن زمان نیز باید مخالف آزادراسازی از جنبه مصرف سوخت بود یا خیر؟ می‌گوید: هر زمان که معبری توسعه می‌یابد، چه آزادراهی و چه غیرآزادراهی، مردم به سمت خودروی شخصی سوق پیدا می‌کنند. ما در کشور سیستم حمل‌ونقل توسعه‌یافتگی نداریم. الان مردم برای دریافت یک بلیت قطار چالش‌های متعددی دارند و اگر در ابتدای ماه پیش‌خريد نکرده باشند، باید بایزانی کنند و از طریق آشنایان و دوستانی که آحیانا نقشی در پروسه بلیت‌فروشی دارند، برای اخذ بلیت تلاش کنند. از طرفی با توجه به یارانه بنزین، سفر ریلی نیز هزینه بیشتری از سفر خودرویی دارد.

مقایسه ایران و اروپا

به گفته تقی‌زاده، اگر بنا بر مقایسه ایران با کشورهای نظیر بلژیک که در فاکتورهای توسعه حمل‌ونقل عملکرد قوی دارند باشد، آنها نیز به این مشکل اشاره کرده‌اند که توسعه جاده، تقاضای سفر را بیشتر می‌کند؛ هرچند در این کشورها به دلیل احداث معابر، تقاضای القایی حدود ۱۰ درصد رشد خواهد کرد، اما در کشور ما با توجه به قیمت پایین سوخت، این رقم احتمالاً به ۴۰ درصد نیز خواهد رسید و مشکل ما بسیار حادتر است.

او تأکید دارد که خودروی برقی را اگر به عنوان معیاری از توسعه حمل‌ونقل سبز در نظر بگیریم، تنها تاثیر آن روی کاهش آلودگی هوا خواهد بود، اما همچنان مساله ترافیک در جای خود باقی خواهد ماند. به گفته تقی‌زاده، توسعه معابر جدید همواره منجر به رشد ترافیک خواهد شد. نمونه موردی آن در تهران، بزرگراه شهید همت در مسیر تهران – کرج است که با هدف کاهش ترافیک احداث شد، اما در عمل منجر به رشد آن شد. حتی عریض‌سازی آزادراه‌ها نیز به دلیل وضعیت قیفی که ایجاد می‌کند، منجر به افزایش ترافیک خواهد شد. در کشور ما در حال حاضر حدود سه‌هزار کیلومتر معبر آزادراهی وجود دارد و بیش از ۷۵۰ کیلومتر آزادراه نیز در دست ساخت است. با این حال، تاثیر افزایشی که آزادراه‌سازی بر تقاضای سفر می‌گذارد، به معنای عدم نیاز کشور به راهسازی نیست؛ راهسازی لازم است تا فرسودگی معابر موجود جبران نشود و علاوه بر افزایش امنیت سفر، دسترسی‌ها را نیز تسهیل کند. اما نکته بر این گزاره که آزادراه‌سازی الزاماً منجر به کاهش مصرف سوخت می‌شود، نادرست است.

برای انتخاب میان آزادراه‌سازی و ریل‌سازی، باید نیازسنجی صورت گیرد. برای نمونه در صورت احداث یک معبر آزادراهی در یک مسیر مشخص، حمل بار تا چه اندازه تسهیل خواهد شد و حجم آن چه تغییراتی خواهد کرد؟ مصرف سوخت چه تغییراتی خواهد کرد و تقاضای سفر دستخوش چه تغییراتی می‌شود؟

سپاس بر اساس آماردهای موجود و برآوردهای کمی، اینکه توسعه حمل‌ونقل بر اساس

کدامیک از مدهای موجود صرفه اقتصادی دارد، قابل تعیین است؛ اما انکای صرف بر کوتاه

شدن مسیر پیمایش برای اثبات کاهش مصرف سوخت، بدون در نظر گرفتن تقاضای القایی

ترافیک، نمی‌تواند استدلال کافی در ارزش‌گذاری اقتصادی یک پروژه حمل‌ونقلی باشد.



کشف بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور

📍 **لیا جلیلود** – میدان پازن هم‌اکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور شناخته می‌شود و از نظر حجم گاز در مقایسه با سایر میدان‌های خشکی، جایگاه نخست را دارد.

پس از اعلام وزیر نفت درباره کشفیات جدید گاز و نفت در میدان پازن، مدیر اکتشاف شرکت ملی نفت ایران اعلام کرد: «میدان پازن هم‌اکنون به‌عنوان بزرگ‌ترین میدان گازی خشکی کشور شناخته می‌شود و از نظر حجم گاز در مقایسه با سایر میدان‌های خشکی، جایگاه نخست را دارد.»

پیش از این میدان خشکی کنگان بزرگ‌ترین میدان خشکی گاز ایران محسوب می‌شد و با توجه به اینکه میدان گازی کنگان در نیمه دوم عمر خود قرار دارد، پازن در آینده به یکی از مهم‌ترین منابع گازی کشور تبدیل می‌شود. میدان پازن در جنوبی ترین نقطه استان فارس و ۲۰ کیلومتری شهر جم واقع شده است. بخش زیادی از این میدان درجنوب استان فارس و بخشی در جنوب استان بوشهر قرار دارد.

میدان پازن دارای ابعاد سطحی ۵۰ در ۷۰ کیلومتر مشتمل بر دو کوهانک شرقی ۴۰ کیلومتر و کوهانک غربی ۳۰ کیلومتر است. با حفاری چاه اکتشافی پازن یک در سال ۱۳۹۴ وجود گاز در عمق ۳۸۰۰ متری این میدان به اثبات رسید و به منظور تکمیل اطلاعات و شناخت پیشتر میدان و احتمال وجود گاز در افق‌های پایین‌تر چاه اکتشافی دوم پازن در اولویت وزارت نفت قرار گرفت و حفاری و تست‌های موردی در عمق ۴۶۰۰ متری در سال ۱۴۰۴ به انجام رسید.

از همین رو بود که برخی از رسانه‌ها دیروز شبیهاتی نسبت به جدید بودن این کشف شکل دادند.طبق نوشته



توسعه آزادراه‌ها با توجیه «صرفه‌جویی در مصرف سوخت» یک گزاره اشتباه است که بیان می‌شود. مهرداد تقی‌زاده، معاون پجشی حمل‌ونقل وزارت راه و شهرسازی هشدار می‌دهد، توسعه معابر جاده‌ای نه تنها باعث کاهش مصرف سوخت نمی‌شود، بلکه با القای تقاضای سفر بیشتر، می‌تواند منجر به افزایش ترافیک و مصرف سوخت‌های فسیلی شود. این هشدار را پژوهش‌های متعددی که در سطح جهان انجام شده نیز تایید می‌کنند. تاکتیک وارونه برای صرفه‌جویی سوخت

در پژوهشی که تاثیر آزادراه‌ها بر مصرف سوخت را بررسی کرده، مشخص شده مهم‌ترین عواملی که بر مصرف سوخت در آزادراه‌ها اثرگذار است، نه کاهش مسافت، که فاکتورهایی از جمله مهارت رانندگی، توانایی تشخیص واکنش، سرعت رانندگی، هندسه جاده، وضعیت جاده، بلکه ناظر بر واقعی کردن ارزیابی اثربخشی پروژه‌های عمرانی و اولویت‌بندی مبتنی سیاست کشور در حوزه توسعه راهسازی، ضروری است که درک صحیحی از تغییرات مصرف سوخت در میان صاحب‌نظران ایجاد شود و معیارهای ذکر شده، در این پروژه‌های عمرانی و زیرساختی لحاظ شود. این درک صحیح البته، به منزله «توقف راهسازی و آزادراه‌سازی» نیست، بلکه ناظر بر واقعی کردن ارزیابی اثربخشی پروژه‌های عمرانی و اولویت‌بندی مبتنی بر اثر واقعی توسعه معابر جاده‌ای بر مصرف سوخت است.

رونده‌های کنونی عرضه و مصرف انرژی در جهان از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی دچار نوعی ناترازی است. اکنون بیش از ۵۰ درصد از مصرف نفت جهان مربوط به بخش حمل‌ونقل است و سه‌چهارم این سوخت نیز در ضرورت‌ها در راستای کاهش مصرف سوخت است. در میان انواع مدهای حمل‌ونقل، بخش جاده‌ای بزرگ‌ترین متقاضی مصرف سوخت است. از همین رو سیاست‌های جهانی به سمت کاهش برنامه‌های توسعه آزادراهی و تقویت توسعه دیگر مدها به ویژه ریلی سوق پیدا کرده است.

در حال حاضر سرمایه مصرف سوخت در ایران، روزانه ۴لیتر است که از سرانه مصرف جهانی (۳ لیتر) بالاتر است. در چهار سال گذشته مصرف بنزین در ایران ۱۰درصد رشد داشته و بر اساس پیش‌بینی‌ها با ادامه این روند تا سال ۱۴۰۷، مصرف بنزین به روزانه ۱۷۰میلیون لیتر خواهد رسید. شستاب چشم‌گیر توسعه آزادراه‌ها در ایران طی دو دهه اخیر حاکی از رابطه مستقیم این دو بخش با همدیگر است، چراکه بر اساس یک قاعده آزموده و پذیرفته شده جهانی، هرچه طول جاده‌ها بیشتر، تقاضای سفر بیشتر و این یعنی مصرف سوخت هم به همین نسبت بیشتر می‌شود.

کلیدواژه اشتباه درباره صرفه‌جویی

عبارت کلیدی که در ایران در توجیه توسعه معابر جاده‌ای مطرح می‌شود، «صرفه‌جویی در مصرف سوخت» است و احداث‌کنندگان پروژه‌های آزادراهی، با این گزاره بر جذابیت پروژه‌های خود می‌افزایند.

«احداث کامل قطعات یک و دو آزادراه تهران – شمال (پروژه‌ای به طول ۵۴ کیلومتر) سالانه ۱۰۰میلیون لیتر صرفه‌جویی به دنبال خواهد داشت.» «فتتاح آزاد راه شیراز اصفهان (پروژه‌ای به طول ۲۲۲کیلومتر) سالانه ۱۲۰میلیون لیتر صرفه‌جویی در مصرف سوخت به همراه دارد.» اینها تنها نمونه‌هایی از تلاش‌ها برای اثمر کمتر نشان دادن پروژه‌های آزادراهی در کشور است که در سال‌های اخیر اعلام شده است. وزارت راه و شهرسازی نیز با همین گزاره، توسعه آزادراه‌ها را منجر به صرفه‌جویی در مصرف سوخت اعلام می‌کند.

خبرالله خامنی، معاون وزیر راه و شهرسازی در دولت سیزدهم درباره این صرفه‌جویی گفته بود، با فرض نبود آزادراه‌ها به دلیل تردد در راه‌های جایگزین و افزایش ۴۰۰کیلومتری مسافت طی‌شده هر خودرو، همچنین کاهش سطح سرویس و در نتیجه افزایش میزان مصرف سوخت به‌دلیل افزایش زمان سفر و حجم ترافیک، شاهد رشد چند صدمیلیون لیتری مصرف بنزین سالانه در کشور خواهیم بود.

نمونه شهرهای این برآورد غلط نیز در جریان احداث بزرگراه صدر صورت گرفت. هدف اصلی این پروژه کاهش ترافیک و مصرف سوخت در سفرهای محور شرقی ـ غربی در شمال پایتخت عنوان شده بود اما با گذشت چند سال از بهره‌داری، نه تنها ترافیک تراز صفر بزرگراه صدر کاهش پیدا نکرده، بلکه طبقه دوم نیز به یکی از گنرگاه‌های کانونی ترافیک در ساعات اوج سفر در تهران تبدیل شد.

✧ خرد جمعی برای حل بحران‌ها

پانزدهمین رویداد جامع معدن و صنایع معدنی از صبح روز دوشنبه ۲۷ مردادماه به همت گروه رسانه‌ای «دنیای‌اقتصاد» در مرکز همایش‌های برج میلاد آغاز به کار کرد. این رویداد تا ۳۰ مردادماه ادامه دارد. بررسی چالش‌های اصلی بخش معدن و صنایع معدنی از جمله ناترازی‌های انرژی، توسعه‌نیافتگی زیرساخت‌های حمل‌ونقل، الزامات محیط زیستی در کنار تداوم فعالیت‌های معدنی و همچنین تحقق اهداف توسعه‌ای در زنجیره فولاد کشور، از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این همایش بودند. در همین حال ارائه راهکارهای عملی برای توسعه پایدار بخش معدن مورد توجه سخنرانان این رویداد مهم معدنی قرار گرفت. سیدمحمد اتابک وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در پیامی ویدئویی خطاب به حاضران در این همایش، به نقش رویداد جامع معدنی و صنایع معدنی «دنیای اقتصاد» در مسیر پیشرفت صنایع اشاره داشت و تأکید کرد که گذار از ابربحران‌های کنونی نیازمند خرد جمعی و بهره‌مندی از نظرات متخصصانی همچون حاضرین در این رویداد است.

در ابتدا علیرضا بختیاری، مدیرمسوول ضمن خوشامدگویی به حاضران، در رابطه با چالش‌های بخش معدن ایران گفت: در سال‌های اخیر، با توجه به اعمال تحریم‌های گسترده، تغییرات سریع بازارهای جهانی و نیاز به انطباق با استانداردهای بین‌المللی، معدن و صنایع معدنی ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در یکسو، نوسانات قیمت مواد اولیه، ناترازی انرژی و ریسک‌های سیاسی و در سوی دیگر، فشارهای زیست‌محیطی و الزامات قانونی جدید، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند.

بختیاری در ادامه گفت: در سال‌های گذشته، این هشدار داده شد که سرمایه‌گذاری در بخش معدن و صنایع معدنی رشد قابل اعتنایی ندارد و رشد بلندمدت این بخش در معرض خطر است. اکنون متأسفانه همه آن نگرانی‌ها به‌قوت خود باقی است و مسائل دیگری نیز به آن اضافه شده است. او تأکید کرد: نخستین و مهم‌ترین عامل غیراقتصادی که راه فعالیت‌های اقتصادی را ناهموار کرده، تهدید خارجی و موانع تحریمی است. مرتفع کردن این موانع، در گرو افزایش تحرک دستگاه دیپلماسی و تقویت قوای دفاعی کشور و تقویت سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی و تحکیم وحدت ملی است. بختیاری ادامه داد: ایران در دو دهه اخیر بسیاری از فرصت‌های اصلاح اقتصادی را از دست داده است و در سال جاری که قرار بوده است مطابق مفاد سند چشم‌انداز بیست ساله، به «جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی» دست یابد، با این هدف فاصله زیادی دارد.

گفت: با این حال، هنوز روزنه‌های امید گشوده است و با مدیریت علمی و سنجیده اسور می‌توان اوضاع را بهتر کرد. بنیاد معدن و صنایع معدنی از جنبه تولید بر نوسازی تکنولوژی و از جنبه تجاری بر صادرات استوار است. فعالان صنایع معدنی برای اجرایی کردن این دو جز، مکمل، قابلیت‌های تخصصی کافی دارند و به کمک دولت نیاز ندارند، اما این فعالیت‌های تکنیکی و بنگاهی خواه ناخواه با سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌های دولت گره خورده است.

بختیاری در پایان تأکید کرد: امیدواریم دولت با درس گرفتن از تجربه‌ها و ناکامی‌ها در زمینه تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و کاستی‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه و عدم‌توازن‌های آشکار و پنهان در بودجه‌های سالانه، اکنون متقاعد شده باشد که اهالی کسب‌وکار و بازارها منطق اقتصاد را بهتر می‌شناسند و هر چه فاصله دولت از بنگاهداری و تصدی‌گری بیشتر شود، چشم‌انداز رشد اقتصادی و رفاه همگانی روشن‌تر می‌شود.

ضرورت اتکا بر خرد جمعی برای مواجهه با ابربحران‌ها

سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت در پیامی ویدئویی برای حاضران در رویداد جامع معدن و صنایع معدنی ۱۴۰۴، از پیشکسوتان، اندیشمندان و متخصصان حاضر در این همایش تقدردانی کرد و گفت: قدردان برگزاری سالانه همایش معدن و صنایع معدنی توسط مجموعه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» هستم. هر ساله بر غنای این همایش افزوده شده است. این رویداد در طول سالیان گذشته تأثیر بسزایی بر پیشرفت صنایع داشته است و در همین راستا از زحمات مدیرمسوول این گروه رسانه‌ای تشکر می‌کنم.

با ضمن اشاره به برگزاری همایش جامع معدن و صنایع معدنی در ترازِ جهانی افزود: این رویداد در سال جاری با ابتکار و ایجاد رویکردی جدید به تولید و بازار برگزار می‌شود و اثرات مثبت و ماندگاری را برای صنایع به دنبال خواهد داشت. وزیر صمت با اشاره به بحران‌های پیش روی صنعت و معدن گفت: در حال حاضر فعالان بخش معدن و صنایع معدنی با چالش‌های متعددی در روند فعالیت خود مواجه هستند. این مشکلات در سال‌های گذشته شدت گرفته و اکنون به ابربحران بدل شده‌اند. ناترازی انرژی یکی از همین ابربحران‌هایی است.



کانال حفظ شرکای تجاری

عر شیپا حسن پور – با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و فعال‌سازی مکانیسم ماشه، پرسش اساسی که پیش روی فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد آن است که تجارت خارجی ایران در ادامه چه مسیری را طی خواهد کرد.

به نظر می‌رسد ممنوعیت‌ها در حوزه کشتیرانی، بیمه و مبادلات مالی بین‌المللی بازمی‌گردند. همچنین مسدود شدن مسیرهای احتمالی برای عضویت در نهادهای مالی جهانی یا دسترسی به تسهیلات بین‌المللی نیز از دیگر آثار سوء تشدید تحریم‌های جهانی علیه اقتصاد ایران خواهند بود. این شرایط می‌تواند روابط تجاری ایران با شرکت‌های بخش خصوصی در کشورهای دوست و هم‌پیمان را نیز دستخوش تغییر کند.

کانال حفظ شرکای تجاری

در چنین شرایطی، افزایش تحرک دولت در حوزه دیپلماسی اقتصادی و حضور پررنگ بخش خصوصی به‌عنوان دو بازوی مکمل، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کنند. هم‌زمان، فعالان بخش خصوصی نیز بسر لزوم طراحی سناریوهای جایگزین، تجارت غیررسمی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مویرگی تأکید دارند. در این میان، چین و روسیه مخالفت خود را با تحریم‌ها اعلام کرده‌اند، اما تجربه گذشته نشان داده است که حتی شرکای نزدیک نیز در مواجه با تهدید تحریم‌های ثانویه با احتیاط عمل می‌کنند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که حتی در کشورهایی که روابط سیاسی نزدیکی با ایران دارند، شرکت‌ها به دلیل نگرانی از جریمه‌ها در برابر تهدید تحریم‌های محتاطانه رفتار می‌کنند. برای بسیاری از شرکت‌ها محاسبه هزینه و منفعت به این نتیجه منتهی می‌شود که حفظ دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر و اجتناب از مجازات‌های مالی، بر ادامه همکاری با ایران اولویت دارد. به همین دلیل، حتی اگر سطح روابط سیاسی دولت‌ها حفظ نشود، بخش خصوصی ممکن است مسیر دیگری انتخاب کند.

نخستین اقدام دولت در مواجه با محدودیت‌های بین‌المللی در حوزه تجارت، باید فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی باشد. مذاکره مستقیم با دولت‌های همسو و دریافت ضمانت‌های سیاسی و حقوقی برای حمایت از شرکت‌های آن‌ها، اهمیت حیاتی دارد، چراکه یکی از مهم‌ترین دلایل عقب‌نشینی شرکت‌ها در فضای تحریمی ابهام در محدوده فعالیت مجاز است. بسیاری از فعالان اقتصادی صرفاً به‌دلیل نبود دستورالعمل روشن ترجیح می‌دهند از همکاری صرف‌نظر کنند. در چنین فضایی، انتشار سریع و دقیق دستورالعمل‌های رسمی از سوی دولت، بانک مرکزی و گمرک ضروری است.



در این میان باید اشاره کرد که برای تداوم فعالیت‌های تجاری ایران در شرایط تحریمی، ارتباط نزدیک دولت با فعالان اقتصادی اجتناب‌ناپذیر است. فعالان اقتصادی بر این باورند که حضور بخش خصوصی در میز سیاست‌گذاری می‌تواند بسیاری از گره‌های تجاری کشور را بگشاید و راه هموارتری را برای تاجار ایرانی بسازد. تحریم‌ها معمولاً به‌صورت ناگهانی مسیرهای تجاری را مسدود می‌کنند. در چنین شرایطی، طراحی سناریوهای جایگزین اهمیت ویژه‌ای برای حفظ سطح تجاری ایران با کشورهای هم‌پیمان دارد. به عبارت دیگر، دولت باید ستاد مدیریت بحران در حوزه تجارت خارجی ایجاد کند تا فعالان اقتصادی در برابر قطع همکاری یک شرکت خارجی با تاجر ایرانی، برنامه و شرکت جایگزین جدیدی را ارائه کنند.

تجارت مویرگی

در این میان فعالان بخش خصوصی بر تجارت مویرگی و غیرقابل رصد تأکید می‌کنند؛ روشی که با توجه به ماهیت تحریم‌ها، می‌تواند منجر به حفظ بازارهای کشورهای هم‌پیمان ایران شود. آنها عنوان می‌کنند که اعلام چین و روسیه مبنی بر غیرقابل قبول دانستن تحریم‌ها، موضوع نگرانی از آسیب‌پذیری تجارت خارجی ایران از ناحیه این دو کشور را منفی می‌کند.

بر این اساس، محمد لاهوتی، رئیس کمیسیون صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» گفت: طی سال‌هایی که ایران از ذیل تحریم‌های سازمان ملل خارج شده بود، شرکت‌های بزرگ (به‌خصوص از کشورهای اروپایی) برای سرمایه‌گذاری‌های نفتی و صنعتی وارد ایران شدند. پس از خروج آمریکا از برجام و تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال کرد، بالغ بر ۸۰ تا ۹۰ درصد شرکت‌ها از حوزه سرمایه‌گذاری مشترک با ایران یا از سرمایه‌گذاری مستقیم خود خارج شدند و تنها تعداد اندکی از فعالان این حوزه باقی ماندند. حتی بخش خصوصی شاهد بود که شرکای مهم تجاری ایران نیز در بسیاری از موارد، تحریم‌ها را به نوعی اجرا می‌کردند و اگر تجارتی داشتند، به صورت غیررسمی بود و نه در قالب روابط رسمی. در نتیجه بازگشت تحریم‌ها، در شرایط کنونی تأثیر چندانی نسبت به گذشته نخواهد داشت.

او ادامه داد: با این حال، احتمال خروج مدود شرکت‌ها و فعالانی که

همچنان در حوزه‌های تجاری با ایران همکاری داشتند، به‌ویژه در عرصه سرمایه‌گذاری، را نمی‌توان انکار کرد. در این میان دو نکته حائز اهمیت است: نخست آنکه روسیه به صورت مستقیم و چین به شکل تلویحی اعلام کردند که این تحریم‌ها را به رسمیت نمی‌شناسند و اجرا نخواهند کرد. بنابراین، موضوع نگرانی از آسیب‌پذیری تجارت خارجی ایران از ناحیه این دو کشور (که یکی از آنها بیشترین سهم صادرات و واردات کشور را در اختیار دارد) تقریباً منفی خواهد بود، مشروط بر آنکه این کشورها به مواضع خود پایبند بمانند.

لاهوئی افزود: باید پذیرفت که شرایط تحریمی، چه در قالب تحریم‌های سازمان ملل و چه در شکل تحریم‌های ثانویه، آثار منفی خود را بر اقتصاد ایران برجای گذاشته است و محدود شدن بازارهای صادراتی ایران به چند کشور خاص، نشانه‌ای از این واقعیت است. از این رو، به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه تحریم‌ها شامل بخش خصوصی نمی‌شود، این بخش می‌تواند نقش مهمی در تداوم روابط تجاری ایفا کند. شبکه‌های ارتباطی مویرگی و غیررسمی که فعالان بخش خصوصی طی سال‌های گذشته ایجاد کرده‌اند، می‌تواند به ادامه فعالیت‌های تجاری کمک کند؛ مشروط بر آنکه دولت این ظرفیت را به رسمیت بشناسد و نقش شرکت‌های دولتی در اقتصاد کاهش یابد. او یادآور شد: نکته مهم دیگری که از خود تحریم‌ها اثرگذارتر باشد، «خودتحریمی‌های داخلی» است. قوانین و آیین‌نامه‌های سختگیرانه‌ای که طی سال‌های گذشته، تجارت خارجی در حوزه‌های مختلف را محدود کرده‌اند. چه در عرصه سیاستگذاری‌های تجاری و چه در سیاست‌های ارزی (به‌ویژه موضوع رفع تعهد ارزی و بازگشت ارز) موانع جدی بر سر توسعه صادرات و تجارت خارجی شکل گرفته است. اگر در این قوانین بازنگری شود، می‌تواند علی‌رغم وجود تحریم‌ها، گشایشی قابل‌توجهی در روابط تجاری ایجاد کند. اگر دولت همچنان بخواهد با همان سختگیری‌های پیشین عمل کند و سیاست‌هایش را با شرایط کنونی تطبیق ندهد، بی‌شک تأثیرات منفی بیشتری بر اقتصاد کشور برجای خواهد گذاشت. بنابراین بازنگری در سیاست‌های ارزی و تجاری کشور، یک ضرورت است؛ نه صرفاً یک انتخاب یا خواسته.

رئیس کمیسیون توسعه صادرات غیرنفتی اتاق بازرگانی ایران در ادامه گفت: ارائه کانال‌های پرداخت شفاف و قانونی جایگزین به شرکت‌های خارجی برای جلب اعتماد آن‌ها، مانند تسویه به صورت پول‌های ملی یا سامانه‌های جایگزین، یکی از روش‌های رفع موانع تجاری است. البته در این میان باید توجه داشت که در شرایط تحریمی شفافیت کامل امکان‌پذیر نیست و اصل تحریم مبنی بر تداوم فعالیت‌ها به صورت مویرگی و غیرقابل رصد است، در نتیجه ارائه این کانال‌های پرداخت شفاف در شرایط تحریمی منطقی نیست و به ناچار مجبور هستیم که روابط تجاری به صورتی تداوم یابد که قابل ردیابی نباشد. او در پایان توضیح داد: موضوع FATF که در آخرین مرحله نیز تأیید و تصویب شد، می‌تواند نقش مهمی در بهبود تجارت خارجی ایران ایفا کند. این امر به‌ویژه در روابط با کشورهایی که به تحریم‌ها پایبند نیستند، مانند کشورهای عضو اوراسیا و بریکس، بسیار حائز اهمیت خواهد بود، چراکه بسیاری از مشکلات گذشته ما، ناشی از عدم عضویت و عدم اجرای الزامات FATF بود و اکنون می‌توان امیدوار بود که با رفع این مانع، گسترش تجارت خارجی با این کشورها تسهیل شود.

اجتناب از موازی‌کاری‌ها

برخی از فعالان تجاری بر این باورند که دولت نمی‌تواند اقدامی جهت حفظ بازارهای بین‌المللی انجام دهد. اما رفع موانع داخلی و پایان خودتحریمی‌ها می‌تواند راه را برای بازرگانان تسهیل کند. در سوی دیگر، بخش خصوصی نیز با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی باید به فکر بازارهای جایگزین باشد.

در این رابطه احمدرضا فرشچیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، گفت: اکنون شرکت‌های خارجی تصمیم می‌گیرند مبادلات خود را کاهش دهند و طبیعتاً دولت نمی‌تواند اقدام خاصی درباره تصمیم آنها انجام دهد، چراکه اختیار در دست شرکت‌های خارجی است. اگر دولت اندکی در مقررات، شرایط و ضوابط داخلی اثرگذاری کند، شاید بتوان به هر صورت برخی از این شرکت‌ها را جایگزین شرکت‌های دیگر کرد.

او ادامه داد: اگر مشکلاتی همچون «فوانین مربوط به ترخیص کالا»، «موازی‌کاری‌های سازمان‌ها» و «تداخلاتی که در حوزه واردات و صادرات وجود دارد» مرتفع شود، شاید بتوان وضعیت پیشین تجارت خارجی را حفظ کرد. بخش خصوصی در این میان، کار خود را انجام می‌دهد و همواره تلاش می‌کند در صورت از دست رفتن یک تأمین‌کننده یا یک بازار، جایگزین مناسبی بیابد. اما مساله اصلی در مقررات است؛ جایی که سیستم‌های دولتی و حاکمیتی باید اندکی تسهیل‌گرت عمل کنند.

فرشچیان افزود: امروز مقررات دست‌وپاگیر و موازی‌کاری‌های متعدد همه را خسته و گرفتار کرده است. این مقررات باید سبک‌تر و ساده‌تر شوند. در واقع باید به همان نسبتی که روابط خارجی تاجر ایرانی ممکن است محدودتر شوند، به دنبال جایگزین‌های داخلی و تسهیل در بوروکراسی درونی کشور باشیم. هرچه این فرآیند روان‌تر شود، بخش خصوصی با شبکه‌های بازاریابی و ظرفیت‌های خود می‌تواند امور را پیش ببرد. او در پایان تأکید کرد: دولت در زمینه بازاریابی تجاری شاید نتواند کمک شایانی به بخش خصوصی کند، چراکه بازاریابی و یافتن بازارهای جایگزین بر عهده تجار و فعالان اقتصادی است، اما اگر دولت وظیفه خود را در کاهش بوروکراسی و تسهیلگری در قوانین و مقررات انجام دهد، بخش خصوصی نیز می‌تواند مسیر تجارت را ادامه دهد و فشار ناشی از کاهش همکاری شرکت‌های خارجی را تا حدی جبران کند. در مجموع باید به این نکته اشاره کرد که بازگشت تحریم‌ها هرچند فشار تازه‌ای بر اقتصاد ایران وارد می‌کند، اما سرنوشت تجارت خارجی کشور تنها در گرو تصمیم‌قدرت‌های جهانی نیست. آنچه بیش از هر چیز آینده مبادلات ایران را رقم خواهد زد «میزان هماهنگی دولت و بخش خصوصی»، «بازنگری در مقررات سختگیرانه داخلی» و «توان کشور در ایجاد مسیرهای جایگزین برای تجارت» است. اگر دولت به‌جای تمرکز صرف بر حفظ شرکای خارجی، بستر داخلی را برای فعالیت درونی کشور قوی‌تر کند، می‌توان امیدوار بود که حتی در شرایط تحریمی نیز جریان تجارت خارجی ایران به‌طور کامل متوقف نشود و مسیرهای تازه‌ای برای تداوم آن گشوده شود.

به گزارش وزارت جهاد کشاورزی، غلامرضا نوری پنجشنبه در «سی‌وهفتمین گردهمایی سراسری فرماندهان مهندسی رزمی جنگ جهاد» درباره رشد بخش کشاورزی در یک سال گذشته، خاطرنشان کرد: رشد بخش کشاورزی کشور از منفی ۲۴ درصد به رشد مثبت ۲۰.۲درصد رسیده یعنی رشدی معادل ۵۶ واحد درصد داشته است و این چشم، نمتنها نشان از توانمندی داخلی دارد، بلکه ثابت می‌کند بخش کشاورزی می‌تواند موتور محرک توسعه کشور باشد. وی ادامه داد: در یک سال گذشته، تراز تجاری بخش کشاورزی کشور ۳میلیارد دلار بهبود یافته است و از منفی ۱۱میلیارد دلار به منفی ۸میلیارد دلار رسیده است.وزیر جهاد کشاورزی درباره عملکرد این وزارت‌خانه در تولید محصولات راهبردی افزود: در یک سال گذشته، تولید شکر ۲۷ درصد و تولید میوه‌های گرمسیری ۵۴ درصد افزایش یافته است. نوری با اشاره به این که در تأمین موز، تولید داخلی به بیش از ۵۰ درصد نیاز کشور رسیده است، خاطرنشان کرد: برنامه‌ریزی شده تا پایان دولت چهاردهم، واردات این محصول به صفر برسد، وی، ادامه داد: همچنین در محصولات راهبردی همچون گوشت قرمز و شکر نیز برنامه خودکفایی با جدیت دنبال می‌شود. وزیر جهاد کشاورزی از تدوین توسعه‌ی عدالت‌محور در بخش کشاورزی به بحث کشاورزی کرد و گفت: عدالت در دسترسی به منابع، توزیع نهاده‌ها، انتصابات و تخصیص مجوزها از اصول جدی ما در وزارت‌خانه است. در همین راستا، توزیع نهاده‌های یارانه‌ای در مناطق روستایی و بین دامداران کوچک و سنتی بیش از ۲۲ درصد افزایش یافته که نشان‌دهنده رویکرد عدالت‌محور در سیاستگذاری‌هاست.



برنامه‌ریزی

برای خودکفایی

در محصولات

استراتژیک

بازگشت یک ایده شکست‌خورده



دارند. برای مثال، نظام مالیاتی در بسیاری از کشورهای ثروتمند، از جمله آمریکا، کاملاً تصاعدی است.

طبق یک مطالعه جدید در آمریکا، نرخ موثر مالیات برای کم‌درآمدترین افراد حدود ۲ درصد است، درحالی‌که این نرخ برای ثروتمندترین قشر جامعه(۰.۰۱ درصد بالای درآمدی) به ۴۵ درصد می‌رسد. این ساختار تصاعدی تضمین می‌کند که ثروتمندان سهم بسیار بیشتری از بار مالیاتی را به دوش بکشند(این حال، بحث مالیات بر ثروت نه فقط در فرانسه، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر دوباره داغ شده است. در بریتانیا و آلمان، گفت‌وگوها برای اجرای مجدد آن هر از چند گاهی مطرح می‌شود. استرالیا در حال بررسی وضع مالیات سنگین‌تر بر حساب‌های بانزنشستگی کلان است و در آمریکا نیز جو بایدن، رئیس‌جمهور این کشور، ایده مالیات بر «سودهای سرمایه‌ای تحقق‌نیافته» را پیش کشید که در عمل نوعی مالیات بر ثروت به شمار می‌رود.

با اینکه اقتصاددانان از مشکلات این نوع مالیات آگاه‌اند، گروهی از آنان با نادیده گرفتن این چالش‌ها، از اجرای دوباره آن حمایت می‌کنند. برای مثال، اریک فوسینگ نیلسن، از مدیران سابق بانک گلدمن ساکس، معتقد است که هر چند شخما با مالیات بر ثروت موافق نیست، اما شرایط امروز فرانسه می‌تواند دلیلی موجه برای اعمال آن باشد. اولیویه بلاتشار، اقتصاددان ارشد پیشین صندوق بین‌المللی پول، نیز از طرحی مشابه ایده زوکمن، البته با نرخ ی پایین‌تر، پشتیبانی کرده است.

منطق سیاسی پشت این حمایت‌ها روشن است. دولت‌ها برای جبران کسری بودجه خود به زودی ناچار به تصمیم‌گیری‌های سسختی خواهند بود؛ تصمیماتی مانند کاهش

خدمات اجتماعی یا افزایش سایر برنامه‌های رفاهی. این نگرانی وجود دارد که فشار اقتصادی موج جدیدی از پوپولیسم را به آن اندازد. از این رو، سیاستمداران باید افکار عمومی را قانع کنند که ثروتمندان نیز در تحمل این فشار سهیم‌اند. طرح مالیات بر ثروت که طبق نظرسنجی‌ها ۸۶ درصد از مردم فرانسه از آن حمایت می‌کنند، ابزاری مناسب برای این هدف به نظر می‌رسد.

با این حال، این استدلال هرچقدر که جذاب باشد، گمراه‌کننده است. گروهی از اقتصاددانان اساساً با ورود همکارانشان به این حوزه مخالف‌اند. جان کارکین از دانشگاه استنفورد یکی از آنهاست. او معتقد است وظیفه اقتصاددانان تحلیل سیاست‌های مالیاتی بر مبنای «نگیزه‌های اقتصادی» است، نه «حساسات اخلاقی». به گفته او، اقتصاددانان در حوزه اخلاق مزیتی بر دیگران ندارند و بهتر است سیاست را به سیاستمداران بسپارند. محبوبیت فعلی چنین مالیاتی به هیچ وجه پایدار نیست، زیرا دیدگاه افکار عمومی درباره مالیات بسیار متغیر و گاهی متناقض است. برای نمونه، نظرسنجی‌ها در آمریکا نشان می‌دهد مردم عموماً طرفدار مالیات تصاعدی هستند، اما در عمل، بیشترین مخالفت را با همین نوع مالیات‌ها ابراز می‌کنند. پژوهشی توسط اورسولا دالینگر نیز تأیید می‌کند که حمایت مردمی از مالیات بر ثروت می‌تواند تحت تأثیر عواملی مانند وضعیت اقتصادی به سرعت کاهش یابد. در نتیجه، فرانسه ممکن است سیاستی را اجرا کند که در آینده هم به اقتصاد آسیب بزند و هم از نظر سیاسی نتیجه عکس بدهد.

حتی اگر حمایت مردمی از این مالیات ادامه پیدا کند، آیا به اهداف حامیان‌ش دست خواهد یافت؟ شاید مردم فرانسه از به چالش کشیدن ثروتمندان برای مدتی خوشحال شوند، اما این رضایت قطعاً زودگذر است. درآمد حاصل از این مالیات به اندازه‌ای نخواهد بود که بتواند کاهش‌های ضروری در سایر حوزه‌ها را جبران کند. به محض اینکه دولت ناچار شود بود این مثال، مزایای معلولیت را کاهش دهد یا سن بازنشستگی را کمی بالا ببرد، آن شادی اولیه جای خود را به خشمی شدید خواهد داد.

حامیان جدید این طرح، خطرات آن را دست‌کم می‌گیرند. بسیاری از طرفداران، نرخ ۲

درصدی را تنها یک نقطه شروع می‌دانند. برای مثال، خود آقای زوکمن در جریان همکاری با کمپین برنی سندرز، از مالیات ۸ درصدی بر بزرگ‌ترین شرکت‌های آمریکا دفاع می‌کرد.

نمونه دیگر توماس پیکتی، استاد راهنمای زوکمن است. او که در گذشته از مالیات‌های

ملایم حمایت می‌کرد، امروز به جایی رسیده که خواهان مصادره ۹۰ درصدی بزرگ‌ترین ثروتهاست. پیکتی حتی به تازگی پیشنهاد کرده است که ثروتمندانی که برای قرار

مالیاتی قصد خروج از فرانسه را دارند، باید در فرودگاه دستگیر شوند.

 ❖دوری از تیم ملی سخت ترین روزهای زندگی‌ام بود
بهناز طاهرخانی، کاپیتان باتجربه فوتبال بانوان ایران و بازیکن تیم ملوان، از روزهای سخت و شیرین فوتبالش می‌گوید؛ از دوری یکساله از تیم ملی تا بازگشت دوباره با انگیزهای بیشتر. او باور دارد سن فقط یک عدد است و آینده فوتبال بانوان ایران با پشتکار بازیکنان و حمایت مسئولان می‌تواند در سطح آسیا و حتی جهان بدرخشد.
علاقه‌تان به فوتبال از کجا شروع شد و چه کسی بیشترین تأثیر را داشت؟
علاقه من به فوتبال از دوران کودکی شکل گرفت و خانواده‌ام همیشه پشتیبانم‌بودند.همچنین دوست دارم از مریم خانم جعفری قدردانی کنم که با اعتماد و راهنمایی‌های ارزشمندشان مسیر فوتبالی‌ام را هموار کردند.
شرایط فعلی فوتبال بانوان ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟
فوتبال بانوان در سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته و بازیکنان مستعد و باانگیزهای در تیم ملی حضور دارند. البته اگر حمایت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جدی‌تر شود، می‌توانیم به جایگاه‌های بالاتری در آسیا و حتی عرصه جهانی برسیم. من مطمئنم با تلاش بازیکنان و حمایت مسئولان، آینده فوتبال بانوان ایران روشن خواهد بود.
کاپیتان بودن در تیم ملی و باشگاه چه مسئولیتی برایتان دارد؟
کاپیتانی مسئولیت بزرگی است، اما من آن را فرصتی برای کمک به هم‌تیمی‌ها و ایجاد انگیزه می‌دانم. با تمرکز بر تمرینات، حفظ روحیه تیم و همکاری نزدیک با مربیان، سعی می‌کنم فشارها را مدیریت کرده و انرژی مثبت را به تیم منتقل کنم. برای من مهم است که همه با هم پیشرفت کنیم و بهترین نتایج را به دست آوریم.
عملکرد اسمال ملوان و نقش شما در تیم چگونه بوده است؟
خیلی خوشحالم که اسمال در کنار تیم جوان، متحد و باانگیزه ملوان بازی می‌کنم. بازیکنان ما استعداد زیادی دارند و مطمئنم اگر فرصت داشتیم چند بازیکن با تجربه بیشتر به تیم اضافه شود، می‌توانستیم عملکرد بهتری داشته باشیم و قطعاً نتایج بهتری هم می‌گرفتیم.برای من سن فقط یک عدد است؛ آنچه اهمیت دارد تلاش، تمرکز و عشق به فوتبال است. ترکیب تجربه من با انرژی بازیکنان جوان باعث می‌شود عملکرد خوبی داشته باشیم. هواداران انزلی هم همیشه با حمایت‌های پرشورشان انگیزه ما را دوچندان می‌کنند.
سخت‌ترین لحظه ورزشی‌تان چه بوده است؟
حدود یک سال و نیم از تیم ملی دور بودم و این فاصله برایم بسیار سخت بود. اما همین جدایی به من یادآوری کرد که چقدر به تیم ملی کشورم عشق می‌ورزم. در آن دوران با وجود همه چالش‌ها تلاش کردم بهترین عملکردم را حفظ کنم تا برای بازگشت آماده باشم. این تجربه به من آموخت که صبر، پشتکار و تمرکز بر هدف، کلید عبور از سخت‌ترین شرایط است.
بزرگترین آرزوی فوتبالی شما چیست؟
بزرگترین آرزویم این است که همیشه با تعهد و تلاش، بهترین عملکردم را برای تیم ملی و باشگاهم ارائه دهم و در موفقیت‌های ملی و بین‌المللی سهم داشته باشم. امیدوارم الهام‌بخش بازیکنان جوان‌تر باشم و نقشی در رشد فوتبال بانوان ایران ایفا کنم.
اگر به گذشته بازرگردید، چه توصیه‌ای به نوجوان فوتبالیست خودتان دارید؟
اگر به گذشته برگردم، به نسخه نوجوان خودم می‌گفتم که همیشه به تلاش و تمرین‌های مستمر ایمان داشته باش و هیچ وقت انگیزه و عشق به فوتبال را از دست نده. همچنین به خودش یادآوری می‌کردم که صبر و پشتکار، همراه با احترام به تیم و هم‌تیمی‌ها، مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به موفقیت است.
❖
❖ بی احترامی یک بازیکن، جرقه جدایی
هرگاه پرسپولیس روند پر فراز و نشیب را طی می‌کند ناخودآگاه نگاهه به عشق و امید می‌چرخد که موفقیت‌های متعددی را با این باشگاه به دست آورده است. برانکو اویاتکوویچ، مربی سابق تیم‌های ملی و پرسپولیس یکی از مربیان موفق سرخ‌ها در سال‌های گذشته بود که توانست با این تیم به قهرمانی لیگ برتر و صعود به فینال لیگ قهرمانان آسیا دست یابد.
در واقع نام برانکو به عنوان یک ال‌ترناتیو جدی همواره مطرح بوده اما سرمربی پرسپولیس همیشه تلاش کرده اظهارات‌ی انجام ندهد که موجب ایجاد حاشیه در این باشگاه شود.
صحت با سرمربی سابق پرسپولیس نیز این موضوع را به اثبات می‌رساند که برانکو نسبت به جایی که پیش‌تر در آن فعالیت داشته همواره با احتیاط صحبت می‌کند.
برانکو در گفت‌وگو با «ایران ورزشی» در خصوص حضورش در تیم‌های ملی عمان و چین گفت: «حضور در این دو تیم تجربه خوبی بود.» او در خصوص احتمال حضورش در جمع سرخ‌وشان بیان داشت: «فعلاً هیچ برنامه‌ای ندارم و ترجیح می‌دهم مذاکراتی نداشته باشم. البته برای آینده برنامه‌هایی دارم و پیشنهادهایی به دستم رسیده است که برای موافقت با این گزینه‌ها باید شرایط همکاری وجود داشته باشد.»

این دیدار می‌تواند روند تیم را تغییر دهد، اعتماد بازیکنان را بالا ببرد و انتقاده‌ها نسبت به سرمربی پرتغالی را کاهش دهد. از سوی دیگر، تمرکز ویژه روی ترکیب تیم بحرینی و شناسایی بازیکنان کلیدی آنها نشان می‌دهد استقلال قصد دارد با آگاهی کامل وارد بازی شود. حتی جزئیاتی مانند نحوه بازی در ضدحمله‌ات، فشار در میانه زمین و نحوه دفاع در محوطه جریمه حریف مورد بررسی دقیق قرار گرفته است. این اقدام کادر فنی استقلال می‌تواند به تیم کمک کند تا با یک برنامه مدون و تاکتیکی مشخص، بازی را مدیریت کرده و به نتیجه مطلوب دست پیدا کند. همه شاخص‌ها نشان می‌دهد که ساینپتو و تیمش با تمرکز بالا و برنامه‌ریزی دقیق آماده این دیدار حیاتی هستند. او تلاش دارد استقلال را از دور تساوی‌ها خارج کرده و تیم را به وضعیت پیروزی مستمر برساند. حال باید دید تلاش‌های سرمربی پرتغالی و کادرش نتیجه خواهد داد و آیا استقلال می‌تواند با پیروزی در بحرین روند خود را تغییر دهد و شرایط جدول لیگ قهرمانان آسیا را به نفع خود رقم بزند. به طور قطع بازی با المحرق فرصتی است برای ساینپتو تا هم روند تیمش را اصلاح کند، هم اعتماد بازیکنان و هواداران را جلب و هم جایگاه خود را در استقلال محکم‌تر کند. ساینپتو عمیقاً دوست دارد بازی با المحرق نقطه عطفی در بازگشت تیمش باشد.

درآمد دلاری در انتظار بازیکنان استقلال المحرق را ببرید پاداش بگیرید
در لیگ قهرمانان آسیا ۲۰ هر باشگاهی که در مرحله گروهی شرکت می‌کند، طبق مقررات AFC مبلغ ۳۰۰ هزار دلار به عنوان پاداش حضور دریافت خواهد کرد. علاوه بر این، برای هر پیروزی در دور گروهی ۵۰ هزار دلار و برای صعود به مرحله یک هشتم نهایی ۸۰ هزار دلار پاداش در نظر گرفته شده است. این یعنی اگر استقلال بتواند مقابل المحرق بحرین به پیروزی برسد، مجموع پاداشی که از AFC دریافت می‌کند حدود ۴۸۰ هزار دلار خواهد بود.
صعود استقلال از لیگ قهرمانان آسیا تنها از جنبه مالی اهمیت ندارد، بلکه مزایای فنی و روحی نیز به همراه دارد. موفقیت در این رقابت‌ها جایگاه ساینپتو و بازیکنان را مستحکم می‌کند و فشار و انتقادهای فنی علیه تیم را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، وضعیت مالی مطلوبی برای باشگاه ایجاد و به استقلال کمک می‌کند برنامه‌های خود را با آرامش بیشتری پیش ببرد.
بنابراین بازیکنان استقلال از جنبه مالی هم که شده باید اهمیت برد در دیدار بسا المحرق را درک کنند و اجازه ندهند این مبلغ قابل توجه به دست حریف برسد. تلاش برای کسب پیروزی نه تنها به حفظ اعتبار و موقعیت تیم کمک می‌کند، بلکه تأثیر مستقیمی بر جایگاه فنی و اقتصادی باشگاه دارد. مدیریت و کادر فنی نیز باید با انگیزه دادن به بازیکنان، اهمیت مالی و فنی این بازی را به آنها منتقل کنند تا تیم با تمرکز کامل در زمین حاضر شود و بهترین نتیجه ممکن را کسب کند.
استقلال با پیروزی مقابل المحرق می‌تواند هم جایگاه خود در لیگ قهرمانان آسیا را تثبیت کند و هم پاداش قابل توجهی را از آن خود کند. موضوعی که باید برای همه اعضای تیم کاملاً ملموس و انگیزه‌بخش باشد.

نازون ۲میلیون و ۸۰۰هزار یورو دستمزد گرفته‌ا
سیدمجتبی طباطبایی، معاون حقوقی سابق باشگاه استقلال، در ویدیویی که در صفحه شخصی خود منتشر کرد، به تشریح جزئیات حقوقی مربوط به قرارداد دو بازیکن خارجی این باشگاه، داکتر نازون و دیدیه اندونگ، پرداخت.

وی درباره پرونده نازون گفت: «باشگاه استقلال با این بازیکن برای دو فصل قراردادی به ارزش ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار یورو امضا کرده و مبلغ ۸۰۰ هزار یورو نیز بابت ترانسفر پول پرداخت شده است. پس از امضای قرارداد و معرفی او به ایفمارک، تست‌های پزشکی نشان داد که نازون با مشکل قلبی مواجه است. متأسفانه، چون قرارداد پیش از انجام تست پزشکی منعقد شده بود، امکان فسخ قرارداد وجود نداشت و آثار این تصمیم اکنون در تیم دیده می‌شود؛ بازیکنی که نتوانسته سطح مورد انتظار باشگاه را ارائه دهد.»
طباطبایی در خصوص دیدیه اندونگ نیز توضیح داد: «مدیرعامل وقت باشگاه از من خواست قراردادی برای فصل ۱۴۰۴۰۴۰۱۴۰۵ با مبلغ یک میلیون و ۲۵۰ هزار دلار آماده کنم، اما بررسی قرارداد قبلی نشان داد دارای بند تمدید خودکار به مبلغ ۹۰۰ هزار دلار است. بر اساس این بند، نوتیس تمدید خودکار برای اندونگ ارسال شد که باعث اختلاف ۴۵۰ هزار دلاری میان مبلغ مورد نظر مدیربرنامه و مبلغ تمدید خودکار شد.» او ادامه داد: «مدیربرنامه اندونگ با حضور در باشگاه اقدام به ایجاد مزاحمت، تهدید و توهین نسبت به من و سایر دوستانم کرده است. چهار شکایت از سوی باشگاه علیه این فرد به کمیته اخلاق ارسال شد، اما متأسفانه پیگیری نشد. این مماشات، زمینه‌ساز مشکلات فعلی شده است.»
طباطبایی همچنین به ادعای مدیربرنامه اندونگ اشاره کرد و گفت: «او مدعی شده ۶۰۰ نوتیس بابت ویزای کار ارسال کرده است که چنین موضوعی پیش از نیم‌فصل در سطح فوتبال دنیا کم‌سابقه و تأمل‌برانگیز است.»

درباره استراتژی اوسمار ویرا و تیمش و بازی حذفی مقابل تراکتور می‌شود دقایقی طولانی صحبت کرد. بالاخره بازی حذفی مثل یک مسابقه فینال است که فقط بردن در آن اهمیت دارد و نتیجه سرنوشت تیم در یک جام را مشخص خواهد کرد. اینجا همان جایی است که برخلاف بازی‌های لیگ برتر هیچ کس از اوسمار و تیمش انتظار یک فوتبال تماماً تهاجمی، پویا و جذاب را ندارد. اینجا نقطه‌ای است که همه به سرمربی و بازیکنان حق می‌دهند که با طمأنیه و تمرکز بسیار بیشتری حمله و دفاع کنند. در واقع هر هواداری که فوتبال و بالا و پایین‌هایش را دیده باشد می‌داند در مسابقه جام حذفی، در خانه یک تیم پرهمه و پرهوادار نمی‌توان ریسکی فوتبال بازی کرد و شرایطی به وجود آورد که درصد اسبب دیدن بالا برود.پرسپولیس تمام جوانب امر را لحاظ کرده بود تا میزان ضربه‌پذیری‌اش پایین برود که البته موفق هم بود. تیم اوسمار در یک بازی تمام‌کنترلی برای این مسابقه برنامه مشخصی داشت و آن دو شانس گلزنی ابتدای بازی هم نه از پی حملات یا کارهای تاکتیکی میزبان بلکه با اشتباه فردی دو بازیکن به وجود آمد و غیر از آن تراکتور فقط یک موقعیت گل با ضربه ایستگاهی(کرزن) به وجود آورد. در نیمه دوم نیز این نقشه پیگیری شد تا اینکه یک ایستگاهی دیگر شرایط را تغییر داد و اینجا بود که باید پلن بعد از گل خورده اجرا می‌شد.با این وجود درباره این نمایش ۶۰ دقیقه‌ای و جزئیاتش می‌شود بیشتر صحبت کرد. مثلاً اینکه واقعاً نیازی به این همه تمرکز روی دفاع نبود. پرسپولیس ۶۰ دقیقه فقط در نیمه خودی محبوس بود و حتی وقتی فرصت ضدحمله یا حمله سریع پیدا می‌کرد.

بازگشت به روزهای روشن

باشگاه بارسلونا پس از سال‌ها دست و پنجه نرم کردن با مشکلات مالی، رسماً اعلام کرد که بحران مالی خود را پشت سر گذاشته است. گزارش‌های مالی اخیر این باشگاه نشان می‌دهد که روند بهبود اقتصادی همچنان ادامه دارد و بارسا آماده ورود به فصل جدید با ثبات مالی و قدرت بیشتر است. بر اساس صورت‌های مالی فصل ۲۰۲۵-۲۰۲۴ و بودجه فصل آتی که در آستانه مجمع عمومی باشگاه منتشر شده، بارسلونا برای دومین سال متوالی موفق شده با سود عملیاتی مثبت فصل را پایان دهد. این دستاورد در حالی حاصل شده که تیم در فصل گذشته به دلیل ناتوانی در استفاده از ورزشگاه اصلی خود، مسابقات را در ورزشگاه المپیک مون‌چنویک برگزار می‌کرد.

یکی از مهم‌ترین علانم بهبود، افزایش ششمیگر درآمدهای باشگاه است که به عدد ۹۹۴ میلیون یورو رسیده است. این موفقیت به ویژه با بازگشت به ورزشگاه اسپانیفای نوکمپ و رشد ۵۰ میلیون یورویی درآمدهای مرتبط با تماشاگران تقویت خواهد شد. بارسلونا در پائینه خود تأکید کرده که ترکیب نتایج ورزشی مطلوب و حضور پرشور هواداران، باعث رشد درآمدهای مرتبط با ورزشگاه شده و به تثبیت روند مثبت مالی کمک کرده است.

یکی دیگر از نکات برجسته گزارش، کاهش بدهی‌های باشگاه به ۴۶۹ میلیون یورو است که نسبت به سال گذشته حدود ۹۰ میلیون یورو کمتر شده و نشان از مدیریت دقیق‌تر و کارآمدتر دارد. همچنین نسبت دستمزد‌ها به درآمد عملیاتی نیز به ۵۴ درصد کاهش یافته که این رقم در چهارچوب قوانین سختگیرانه یوفا برای باشگاه‌ها قرار دارد و نسبت به سال قبل بهبود یافته است.

در حوزه حمایت‌های مالی، قراردادهای مهمی مانند همکاری با نایکی و مشارکت‌های استراتژیک دیگر به بالاترین رقم تاریخی خود، یعنی ۲۵۹ میلیون یورو رسیده‌اند. علاوه بر این، بخش فروش کالا با رشدی ۵۵ درصدی نسبت به سال گذشته به درآمد ۱۷۰ میلیون یورویی دست یافته است که از نشانه‌های محبوبیت جهانی روزافزون این باشگاه است.

بارسلونا با پیش‌بینی درآمد عملیاتی بیش از یک میلیارد یورو در فصل جاری و انتظار سود قبل از مالیات حدود پنج میلیون یورو، آماده است تا فصل جدید را در شرایطی کاملاً متفاوت از گذشته آغاز کند. بازگشت به ورزشگاه خانگی و بهبود وضعیت مالی، نویدبخش دوراهی طلایی برای این غول فوتبال اروپا است.

از سوی دیگر، باشگاه به توسعه فعالیت‌های دیجیتال و بین‌المللی خود نیز توجه ویژه‌ای دارد؛ بارسلونا اکنون با بیش از ۲۵ میلیون دنبال‌کننده در کانال یوتیوب خود، پرمخاطب‌ترین باشگاه ورزشی جهان محسوب می‌شود. همچنین ثبت رکورد حضور تماشاگران در دیدار افتتاحیه جام گامپر، نشان از شور و شوق هواداران برای حمایت از تیم دارد.

در مجموع، این گزارش مالی نه تنها پایان یک بحران طولانی‌مدت را نوید می‌دهد، بلکه آغازی پرامید برای بارسلونا در مسیر موفقیت‌های ورزشی و اقتصادی است؛ باشگاهی که بار دیگر آماده است تا به جایگاه واقعی خود در فوتبال جهان بازگردد.

برداشت غلط از استوری علیپور

در عین حال حتی اگر بازیکنان با درویش رابطه خوبی نباشند یا نخواهند که در این روزهای سخت حامی مدیرعامل باشگاهشان باشند اینطور هم نیست که پشت وحید هاشمیان در بیابند یا حمایت قاطعانه‌ای از سرمربی تیم خود داشته باشند.نکته جالب اینجاست که بعد از حضور اسماعیل کرئال در رأس کل‌دفتری این تیم موج حمایت عجیبی در بین بازیکنان پرسپولیس از این مربی ترک به وجود آمد و حتی برخی نفرات مثل سروش رفیعی گفتند مثل آنچه در زمان برانکو اتفاق افتاد شرایط طوری خواهد شد که همه می‌گویند «هر چه کار تال بگوید» اما از وقتی هاشمیان آمده هر هفته که تیم پرسپولیس نتیجه نمی‌گیرد و انتقاده‌ها شدت گرفته است، هیچ بازیکنی صراحتاً و قویاً از وحید هاشمیان تعریف نکرده و هیچ‌کس پشت او در نیانده است. این مهم نشان می‌دهد بازیکنان پرسپولیس با وجود احترامی که برای سرمربی خود قا‌لند حمایت سفت و سختی از او و به عمل نمی‌آورند و تا وقتی جایگاهشان در خطر نباشد برای بقای او یا بالا بردن جایگاهش نزد هواداران استین بالا نخواهند زد.

بلایی که سر گاریدو آمد چراغ راه هاشمیان
خوان کارلوس گاریدو فصل قبل شروع خوبی در پرسپولیس داشت. او دربی را برد و امتیازات مناسبی جمع کرد. تیم او مقابل الاهلی عربستان قهرمان فصل قبل لیگ نخبگان نمایش

بحرین نقطه بازگشت ما است



❧ عرفان حمیدی – ریکاردو ساینپتو، سرمربی پرتغالی استقلال، با برنامه‌ای متفاوت برای دیدار تیمش مقابل المحرق بحرین آماده می‌شود.

ریکاردو ساینپتو، سرمربی پرتغالی استقلال، با برنامه‌ای متفاوت برای دیدار تیمش مقابل المحرق بحرین آماده می‌شود و به نظر می‌رسد قصد دارد ترکیب تیمش را با وجود غایبان هجومی بچیند. این در حالی است که او در این بازی برخی بازیکنان کلیدی خود از جمله اندونگ، احمدی و کوشکی را در اختیار ندارد، اما با توجه به بازیکنان موجود در اختیار، تلاش می‌کند بهترین نفرات ممکن را در ترکیب اصلی قرار دهد.

طی روزهای گذشته ساینپتو بارها به اهمیت کسب برتری در بحرین اشاره کرده و از بازیکنان خواسته با تمرکز بالا و بدون اشتباه مقابل این تیم بازی کنند. او می‌داند که شکست یا حتی تساوی مقابل المحرق می‌تواند تبعات روانی و فنی زیادی برای تیم و خودش داشته باشد و فشار انتقاده‌ها را بیشتر کند. به همین دلیل، سرمربی پرتغالی عزم خود را جزم کرده تا استقلال را در اوج آمادگی روانی و جسمانی به بحرین اعزام کند و با پیروزی میدان را ترک کند. کادر فنی استقلال نیز مأموریت بزرگی را آغاز کرده است. دستیاران ساینپتو مشغول آنالیز دقیق بازی‌های اخیر المحرق هستند تا نقاط ضعف و روزه‌های نفوذ این تیم را شناسایی کرده و در اختیار بازیکنان قرار دهند. اطلاعات به‌روز درباره ترکیب احتمالی تیم بحرینی و نحوه عملکرد بازیکنان کلیدی آن نیز به صورت مداوم در اختیار ساینپتو و تیمش قرار می‌گیرد تا تیم استقلال با آگاهی کامل و برنامه‌ریزی دقیق مقابل حریف ظاهر شود. تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد المحرق تاکتیکی منظم و با برنامه تاکتیکی مشخص است و اشتباهات فردی می‌تواند برای استقلال پرهزینه باشد. به همین دلیل تمرکز ساینپتو روی کنترل نقاط حساس زمین، استفاده از ضدحمله‌ات و بهره‌برداری از اشتباهات حریف است. کادر فنی استقلال با بررسی حرکات بازیکنان کلیدی المحرق و مسیر حرکتی آنها، سعی دارد تاکتیک هجومی تیم را با کمترین ریسک ممکن طراحی کند تا در عین اجرای تاکتیک هجومی، تیم از نظر دفاعی نیز مستحکم باقی بماند. این دیدار برای استقلال بسیار حیاتی است، چرا که تیم در هفته‌های اخیر با تساوی‌های متوالی مواجه شده و روند خوبی در لیگ قهرمانان آسیا نداشته است. ساینپتو به خوبی می‌داند که شکست یا تساوی در بحرین علاوه بر فشار فنی، به وجهه او و اعتماد هواداران نیز آسیب بزند. بنابراین بازی پیش رو فرصت مناسبی است تا تیم را از تساوی‌های کشنده نجات دهد و روی نوار پیروزی قرار دهد. موفقیت در



سکته به خاطر ترس از مرگ

گریلش، مورد غضب توخل

توماس توخل، سرمربی تیم ملی انگلیس،

در تازه‌ترین فهرست تیمش، تصمیمی عجیب و بحث‌برانگیز گرفته است: دعوت نکردن جک گریلش، ستاره‌ای که این روزها در اورتون به اوج بازگشته و بهترین شروع فصل را در لیگ برتر ثبت کرده است. این تصمیم می‌تواند به بزرگ‌ترین چالش انگلیس در مسیر جام جهانی ۲۰۲۶ تبدیل شود، آن هم در حالی که کمتر از ۸ ماه به آغاز بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی دنیا باقی مانده است.

گریلش که از منچسترستی به صورت قرضی به اورتون پیوسته، از همان ابتدا نشان داده که هنوز

یکی از درخشان‌ترین استعدادهای نسل خودش

است. چهار پاس گل در پنج بازی نخست آماری استثنایی است که نشان می‌دهد این بازیکن دقیقاً همان گزینه‌ای است که انگلیس برای حل مشکل همیشگی سمت چپ خط حمله‌اش نیاز دارد.

در حالی که غیبت بازیکنانی مانند جود بلینگام و فیل فودن به نوعی قابل توجیه است، توخل هیچ توجیه قابل قبولی برای کنار گذاشتن گریلش ارائه نکرده است. بلینگام تازه پس از جراحی به میادین بازگشته و فودن هنوز به سطح مطلوب سابقش نرسیده، اما گریلش با نمایش‌های درخشانش به وضوح ثابت کرده که آمادگی حضور در تیم ملی را دارد.

او نه تنها در اورتون نمایش درخشانی داشته، بلکه در بازی اخیر مقابل کریستال پالاس، با گل دیر هنگام خود پیروزی تیمش را رقم زد و عنوان بهترین بازیکن زمین را کسب کرد. جک در مصاحبه‌ای پس از بازی با تواضع تمام گفته است که به تصمیم سرمربی احترام می‌گذارد و تمرکز خود را روی باشگاهش قرار داده است، اما واقعیت این است که او شایسته حضور در تیم ملی است.

مشکل بزرگ انگلیس در پست وینگر چپ به وضوح قابل مشاهده است. بازیکنانی چون آنتونی گوردون و مارکوس رشفورد، هرچند ناامای شناخته شده‌ای هستند، اما قابلیت‌های فنی و فوتبال هوشمندانه گریلش را ندارند. گوردون در سطح باشگاهی گاهی غیراثربازی کرده و رشفورد نیز به دلیل عملکرد ناپایدارش در بارسلونا چندان قابل اتکا نیست.

گریلش همان بازیکنی است که می‌تواند کلید باز کردن درهای دفاعی تیم‌های سختگیر در جام جهانی باشد؛ بازیکنی با هوش بالا، خلاقیت بی‌نظیر و تجربه قهرمانی با منچسترستی. تنها مشکلی که گریلش دارد کمبود گل‌های زده در تیم ملی است که آن هم تحت تأثیر تاکتیک‌های پپ گواردیولا بوده است؛ مربی‌ای که از او می‌خواست ریسک نکند و بیشتر تمرکز روی پاس دادن داشته باشد تا شوت زدن.

اما دیوید مویس سرمربی اورتون، از گریلش خواسته که برخطرتر بازی کند و در موقعیت‌های گلزنی بیشتر شجاعت به خرج دهد و این تغییر در سبک بازی او کاملاً مشهود است. اگر گریلش بتواند این روند را ادامه دهد، دیگر توخل نمی‌تواند چشم روی او ببندد.

این فرصت طلایی در شرایطی است که جام جهانی ۲۰۲۶ تنها چند ماه دیگر برگزار می‌شود و توخل باید هر چه سریع‌تر بهترین ترکیب تیمش را پیدا کند. ماندن روی بازیکنان ثابت و امتحان پس‌داده ممکن است باعث شود تیم ملی انگلیس همان مشکلات خط حمله را دوباره تجربه کند، مشکلاتی که در یورو ۲۰۲۳ هم به وضوح دیده شد.

نتیجه بازی با گل‌گهر هم ناامیدکننده بود و به همین خاطر تنها بازیکنی که بعد از این بازی روی حرف زدن و مصاحبه داشت کسی نبود جز علی علیپور که با چهارمین گلش در ششمین بازی به عنوان تنها گلزن تیم پرسپولیس در این فصل تصور می‌شد حداقل وظیفه شخصی خودش را به درستی انجام داده است.

هر چند علیپور مثل همبازیش بدون انجام مصاحبه ورزشگاه شهدقدس را ترک کرد اما بعد از این بازی یک استوری اینستاگرامی خطاب به هواداران پرسپولیس منتشر کرد و به آنها امیدواری داد که در هفته‌های آتی شرایط تیم محبوب‌شان بهتر خواهد شد.

جالب اینکه بعد از انتشار این استوری با توجه به اینکه علیپور در متن خود به بازیکنان و کادر فنی اشاره کرده بود این‌گونه برداشت شد که بازیکنان از مدیرعامل باشگاه عبور کرده‌اند و در روزهایی که درویش و هاشمیان سیبل شعارها و انتقادات هواداران هستند ترجیح می‌دهند از سرمربی تیم خود حمایت کنند.

با این وجود به نظر می‌رسد این یک برداشت کاملاً غلط از متن نوشته علیپور باشد چرا که تجربه تاریخی نشان داده در تیم‌های بزرگ، بازیکنان تا زمانی که منفعی نداشته باشند چه در فضای مجازی چه در مصاحبه‌های خود حمایت واضحی از سرمربی یا مدیر باشگاه خود انجام نمی‌دهند.

